

### درود خداوند بر پیامبر ﷺ

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ  
ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

همانا خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود و رحمت می فرستند. ای  
اهل ایمان! بر او درود فرستید و آن گونه که شایسته است، تسلیم  
او باشید. (احزاب، ۵۶)

**توضیح:** مقام و منزلت والای پیامبر گرامی اسلام ﷺ تا جایی  
است که خداوند متعال، خود بر او درود فرستاده است. فرشتگان  
نیز با ندای حق هم سو گشته اند. از این رو، خداوند از مؤمنان نیز  
می خواهد تا آنان نیز هم ندا با او و فرشتگان، بر مقام والای رسول  
گرامی اسلام ﷺ درود فرستاده و در مقابل سخنان وی کاملاً تسلیم  
و فرمان بردار باشند. مقصود از درود خداوند بر پیامبر، نزول رحمت  
خاصه بر آن حضرت و اجابت خواسته ی وی است. مقصود از درود  
فرشتگان بر آن حضرت نیز، دعا برای وی یا همان ذکر شریف  
صلوات است که دارای ثواب بسیار و برکات زیاد می باشد.

**حدیث:** امام باقر یا امام صادق علیه السلام: «أَثْقَلُ مَا يُوَضَّعُ فِي  
الْمِيزَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ؛  
سنگین ترین عملی که در روز قیامت بر ترازوی اعمال گذاشته  
می شود، صلوات بر محمد و اهل بیتش علیهم السلام است.» قرب الإسناد، ص ۱۲ ح ۴۵.

### توسل به پیامبر ﷺ؛ شرط قبولی توبه

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ

لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا ﴿٦٤﴾

و هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آن که به اذن خدا از او اطاعت شود. و اگر آنان هنگامی که [با انجام گناه] به خود ستم کردند، نزد تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند، و پیامبر هم برایشان طلب آمرزش می کرد، یقیناً خدا را بسیار توبه پذیر و مهربان می یافتند. (نساء، ۶۴)

**توضیح:** وجود مقدس پیامبر اسلام ﷺ، واسطه ی فیض الهی و رحمت پروردگار است. خداوند در این آیه، شرط قبولی توبه ی گناه کاران را توسل آنان به پیامبر و دعای آن حضرت در حقشان دانسته است. این مطلب هم بر مقام و قرب رسول گرامی اسلام ﷺ نزد خداوند متعال دلالت می کند؛ هم او را واسطه ی فیض و رحمت پروردگار دانسته است و هم پاسخ مناسب و دندان شکنی است برای کسانی که توسل به اهل بیت ﷺ را نوعی شرک به خداوند می انگارند. آری! پیامبر و اهل بیت ﷺ درهای رحمت و غفران پروردگار هستند و خداوند توسل به آنان را شرط قبولی توبه ی بندگان دانسته است.

**حدیث:** امام صادق علیه السلام در کیفیت زیارت قبر پیامبر ﷺ فرمود: «هنگامی که به قبر آن حضرت رسیدی، آیه ی فوق را بخوان و بگو: خدایا! من نیز - مطابق دستورت - به سوی قبر پیامبرت آمده ام و از گناهانم استغفار می کنم.» کافی: ج ۳ ص ۵۵۱ ح ۱.

## پیامبر ﷺ گواه بر اعمال همگان

فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ

وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا ﴿٤١﴾

پس چگونه است [حال مردم] هنگامی که از هر امتی گواهی [که پیامبر آنان است بر اعمالشان] بیاوریم، و تو را بر آنان گواه آوریم؟! (نساء، ۴۱)

**توضیح:** بنا بر این آیه، پیامبر گرامی اسلام ﷺ، نه تنها چون سایر انبیاء الهی، شاهد بر اعمال امت خویش است؛ بلکه گواه بر اعمال انبیای گذشته نیز می باشد. (ضمیر «هؤلاء» در روایات به گواهان امت های پیشین؛ یعنی انبیای سابق برمی گردد.) این فضیلتی بسیار بزرگ برای آن حضرت می باشد. مقصود از شهادت بر اعمال در قرآن، بیان حقیقت و باطن اعمال است. بر این اساس، انبیاء و اولیای الهی - و در رأس همه، وجود گرامی پیامبر اسلام ﷺ به عنوان انسان کامل و برترین مخلوقات - از چنان مرتبه ای برخوردار می گردند که می توانند باطن و حقیقت بندگان را مشاهده و در روز قیامت، در صف شاهدان اعمال برآمده و بر نیک سیرتی یا پلیدی آنان گواهی دهند. دیگر شاهدان اعمال در روز قیامت، زمین، اعضای بدن، فرشتگان و ... می باشند. گفتنی است ادای شهادت در روز قیامت، به معنای آگاهی و علم به اعمال در دنیا می باشد.

**حدیث:** امام صادق علیه السلام: «تُعْرَضُ الْأَعْمَالُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ أَعْمَالُ الْعِبَادِ كُلِّ صَبَاحٍ أَبْرَارُهَا وَ فُجَّارُهَا فَآخَذَرُوهَا؛ همه ی اعمال بندگان - اعم از نیکان و اشرار - هر صبح بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

عرضه می گردد.» کافی: ج ۱ ص ۲۱۹ ح ۱.

## خشنودی پیامبر ﷺ در آخرت

وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ ﴿٥﴾

و به زودی پروردگارت بخششی به تو خواهد کرد تا خشنود شوی. (ضحی، ۵)

**توضیح:** بالاترین اکرام به پیامبر گرامی اسلام ﷺ - که خداوند متعال در آیه ی فوق از آن خبر داده است - این است که در دنیا و آخرت از فضل و رحمت خود به اندازه ای بر آن حضرت عطا می کند که وی راضی و خشنود خواهد شد. در دنیا، آیین وی را جهانی و جاودانی کرده و در آخرت مشمول مواهب خاص خواهد گردید. همان گونه که می دانیم، آن حضرت دلسوزترین مردم به امتش بود؛ تمام تلاش خویش را معطوف هدایت آنان کرده و بزرگ ترین آرزویش سعادتشان بود. به همین دلیل، خشنودی کامل وی نیز در گرو هدایت امتش است. از این رو، در برخی روایات این آیه امیدبخش ترین آیه ی قرآن معرفی شده است؛ زیرا خبر از قبولی شفاعت آن حضرت نسبت به گناه کاران دارد؛ گناه کارانی که ولایت خداوند و پیامبرش را بر خویش پذیرفته اند، ولی دچار لغزش های نفسانی گشته و اسیر هوا و هوس گردیدند.

**حدیث:** پیامبر اکرم ﷺ: «لِكُلِّ نَبِيٍّ دَعْوَةٌ قَدْ دَعَا بِهَا وَ قَدْ سَأَلَ سُؤلاً، وَ قَدْ حَبَّأَتْ دَعْوَتِي لِشَفَاعَتِي لِأُمَّتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ هر پیامبری به درگاه خدا دعایی کرده و از او چیزی خواسته است، اما من خواهش خود [از خدا] را برای شفاعت امتم در روز قیامت نگه داشته ام.» خصال: ص ۲۹ ج ۱۰۳.

## وظیفه‌ی ما در برابر پیامبر ﷺ

### پیروی مطلق از پیامبر ﷺ

... وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿۷﴾

... و [از اموال و احکام و معارف دینی] آنچه را پیامبر به شما عطا کرد بگیرید و از آنچه شما را نهی کرد، باز ایستید و از خدا پروا کنید؛ زیرا خدا سخت کیفر است (حشر، ۷)

**توضیح:** خداوند متعال، به موازات تمجید از اخلاق نیکوی پیامبر و بیان عصمت آن حضرت، مؤمنان را به پیروی مطلق و بی چون و چرا از کردار و گفتار فرستاده‌ی خویش فرمان می‌دهد تا جایی که اطاعت و پیروی از پیامبر ﷺ را عین اطاعت از خود خوانده و نافرمانی و معصیت از دستور رسولش را سرپیچی از فرمان خود می‌خواند. آیه‌ی فوق به روشنی بر این مطلب گواهی می‌دهد؛ زیرا در ذیل آیه همگان را به تقوای از خدا سفارش و مخالفان با دستور پیامبر ﷺ را به عذاب شدید تهدید نموده است. گفتنی است این آیه نیز یکی از آیاتی است که بر عصمت پیامبر اسلام ﷺ دلالت دارد؛ زیرا پیروی مطلق تنها از کسی معقول و مشروع است که مصون از خطا و گناه باشد.

**حدیث:** امام باقر علیه السلام: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَوَّضَ إِلَيَّ نَبِيَّهِ صَ أَمْرَ خَلْقِهِ لِيَنْظُرَ كَيْفَ طَاعَتُهُمْ؛ به درستی که خداوند متعال کار خلقش را به پیغمبرش واگذار تا ببیند فرمان بری آنها

چگونه است؟» کافی: ج ۱ ص ۲۶۶ ح ۳.

## اطاعت از پیامبر ﷺ؛ سبب زنده شدن دل ها

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا  
دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ  
بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٢٤﴾

ای اهل ایمان! هنگامی که خدا و پیامبرش شما را به حقایقی که به شما [حیات معنوی و] زندگی [واقعی] می بخشد، دعوت می کنند اجابت کنید، و بدانید که خدا میان آدمی و دلش حایل می شود [تا حق را باطل و باطل را حق مپندارد] و مسلماً همه ی شما به سوی او محشور خواهید شد. (انفال، ۲۴)

**توضیح:** همان گونه که گفته شد، خداوند متعال اطاعت و پیروی مطلق از کردار و گفتار پیامبر اکرم ﷺ را بر همه ی مؤمنان واجب نموده است. این اطاعت پذیری نه تنها موجب رشد و کمال معنوی بندگان می گردد؛ بلکه به آنان حیات واقعی بخشیده و دل هایشان را بیدار می سازد.

از آیه ی فوق فهمیده می شود: اولاً هدف اصلی از ادیان آسمانی، حیات بخشیدن همه جانبه به انسان هاست؛ ثانیاً حیات واقعی از منظر قرآن به معنای رشد عقلی و بیداری دل هاست و تنها در بندگی خداوند و اطاعت از انبیاء تحقق می یابد؛ ثالثاً محتوای دعوت پیامبر ﷺ عیناً با دعوت خداوند مطابقت می نماید. (لفظ «دَعَاكُمْ» به صورت مفرد آمده است.)

**حدیث:** امام علی علیه السلام - در وصف پیامبر صلی الله علیه و آله - : «طَيْبٌ دَوَّارٌ بِطَبِّهِ؛ او طبیبی است که به دنبال بیماران گشته تا آنان را درمان نماید.» نهج البلاغه: خطبه ۱۰۸.

## اطاعت از پیامبر ﷺ؛ زمینه ساز محبت خدا

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحِبُّكُمْ اللَّهُ  
وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۳۱﴾

بگو: اگر خدا را دوست دارید، پس مرا پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست بدارد، و گناهانتان را ببامرزد؛ و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (آل عمران، ۳۱)

**توضیح:** هدف از خلقت انسان ها، عبادت و بندگی خداوند است. این هدف جز با توجه کامل به پروردگار و اخلاص در عبادات و سایر شئون زندگی حاصل نمی گردد. اخلاص، عملی جوانحی (قلبی) بوده و محل تحقق آن در قلب است. بنابراین، هدف از خلقت انسان ها، توجه کامل قلبی بندگان به خداوند یا به تعبیر گویاتر، محبت الهی است. این محبت دوسویه است؛ یعنی خداوند تنها کسانی را دوست دارد که آنان نیز خدا را دوست داشته باشند. آیه ی فوق از این حقیقت والا پرده برمی دارد که خداوند متعال تنها مؤمنانی را دوست دارد که محبت خود به پروردگار عالم را با تبعیت و فرمانبری از پیامبر اکرم ﷺ عجین نموده اند. بنابراین، دستیابی به هدف خلقت آدمی در پرتو پیروی از آن حضرت حاصل می گردد.

**حدیث:** امام صادق علیه السلام: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّهُ فَلْيَعْمَلْ بِطَاعَةِ اللَّهِ وَ لِيَتَّبِعْنَا؛ هر کس از این که خدا او را دوست بدارد خشنود می گردد، باید از خدا اطاعت کند و از ما پیروی کند.» کافی: ج ۸ ص ۱۴۰

## قرآن؛ معجزه‌ی جاوید پیامبر

### ۱. تحدی و مبارزه طلبی

قُلْ لِّينِ اجْتَمَعَتِ الْاِنْسُ وَالْجِنُّ عَلٰى اَنْ يَّاتُوْا  
بِمِثْلِ هٰذَا الْقُرْءَانِ لَا يَأْتُوْنَ بِمِثْلِهٖ وَلَوْ كَانَتْ  
بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيْرًا

بگو: قطعاً اگر جن و انس گرد آیند که مانند این قرآن را بیاورند، نمی‌توانند مانندش را بیاورند اگرچه پشتیبان یکدیگر باشند. (اسراء، ۸۸)

**توضیح:** خداوند در این آیه با قاطعیّت تمام، از کسانی که قرآن را کلام پیامبر ﷺ ندانسته و وحیانی بودن آن را نمی‌پذیرند، می‌خواهد تا کتابی همانند آن بیاورند. در اصطلاح، به این مبارزه طلبی قرآن، «تحدی» گفته می‌شود که شیوه‌ی مرسوم‌ی برای اثبات حقانیت خود است. این دعوت و تحدی در سه مرحله صورت گرفته است: ابتدا در این آیه، از کافران جن و انس درخواست شده که اگر می‌توانند کتابی همانند بیاورند. سپس حجم درخواست از این مقدار نیز کمتر می‌شود که حداقل ده سوره مانند سور قرآن بیاورند. (هود، ۱۳) در آیه‌ی ۲۳ سوره‌ی بقره، حجم تحدی قرآن باز هم کمتر و قاطع‌تر می‌شود و از کافران تنها یک سوره مثل سوره‌های قرآن طلب می‌کند. دشمنان اسلام با همه‌ی امکاناتی که صرف مبارزه با قرآن نمودند، هیچ‌گاه نتوانستند چنین کاری انجام دهند. البته وجوه اعجاز قرآن تنها در فصاحت و بلاغت خلاصه نمی‌شود.

**حدیث:** پیامبر اکرم ﷺ: «ظَاهِرُهُ اَنِيْقٌ وَ بَاطِنُهُ عَمِيْقٌ لَا تُحْصَى عَجَائِبُهُ وَ لَا تُبْلَى غَرَائِبُهُ؛ ظاهر قرآن زیبا و دل‌نشین و باطنش دریای عمیق معارف است؛ شگفتی‌های آن به شماره نمی‌آید و لطایف آن کهنه نمی‌گردد.» کافی: ج ۲ ص ۵۹۹ ح ۲.

## ۲. امی بودن آورنده‌ی قرآن

وَمَا كُنْتَ تَتْلُوَ مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ  
بِیَمِينِكَ إِذَا لَا زَيْتَابَ الْمُبِطِلُونَ ﴿٤٨﴾ بَلْ هُوَ  
ءَايَاتٌ يَنْتَظِرُ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَمَا  
يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ ﴿٤٩﴾

تو پیش از این [قرآن]، هیچ نوشته‌ای را نمی‌خواندی و آن را بآدمت خود نمی‌نوشتی و گرنه باطل‌گرایان یاوه‌گو [دروغی بودن و حقانیت آن] شک می‌کردند، (۴۸) بلکه این قرآن، آیات روشنی است در سینه‌ی کسانی که به آنان معرفت و دانش عطا شده است؛ و آیات ما را جز ستمکاران انکار نمی‌کنند. (۴۹) (عنکبوت)

**توضیح:** یکی دیگر از وجوه اعجاز قرآن، آن است که آورنده‌ی آن - یعنی پیامبر عظیم‌الشان اسلام ﷺ - هیچ‌گاه به مکتب نرفته و درس نخوانده بود. از این رو، آوردن کتابی که بسیاری از مسائل علمی را در بر داشته و دانشمندان و فرهیختگان را بر سر سفره‌ی بهره‌گیری از آن نشانده است، جز از طریق وحی امکان ندارد. گفتنی است تفسیر «امی بودن پیامبر» به بی‌سوادی آن حضرت اشتباه است؛ زیرا ایشان از علم لدنی و بی‌پایان الهی بهره‌مند بود و حتی نوشتن و خواندن را نیز از این طریق فرا گرفته بود؛ بلکه به این معناست که آن حضرت هیچ‌گاه درس متداول مکتبی را نیاموخته بود. این نیز نقصی برای آن حضرت نبود؛ چون حکمتی در آن نهفته است که در آیه‌ی فوق نیز به آن اشاره می‌شود.

**حدیث:** امام رضا علیه السلام - در وصف پیامبر صلی الله علیه و آله - «او کتابی را نیاموخت و نزد هیچ معلمی نرفت، ولی کتابی آورد که در آن قصص همه‌ی انبیاء بود و احوال پیشینیان و آیندگان تا روز قیامت ذکر شده است.» عیون اخبار الرضا: ج ۱ ص ۱۶۷.

### ۳. اعجاز در تناسب و هماهنگی قرآن

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ

لَوْجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا ﴿٨٢﴾

آیا به قرآن [عمیقاً] نمی‌اندیشند؟ چنانچه از سوی غیر خدا بود، قطعاً در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند. (نساء، ۸۲)

**توضیح:** یکی از تهمت‌هایی که دشمنان اسلام به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌زدند، این بود که قرآن را از افسانه‌های پیشین ایران و روم فراگرفته یا در سفر خود به شام از علمای اهل کتاب آموزش دیده است. (نحل، ۱۰۳) این آیه در پاسخ آنان نازل شده است و به یکی از وجوه اعجاز قرآن اشاره می‌کند. اگر قرآن همانند نوشته‌ها و تعلیمات بشری بود، باید با تغییر شرایط و احوال مؤلف، تغییر می‌کرد، ولی با وجود این که قرآن در طول ۲۳ سال و در شرایط گوناگون جنگ و صلح، غربت و شهرت، قوت و ضعف، و در فراز و نشیب‌های مختلف نازل شده است، هیچ‌گونه اختلاف و تناقضی میان دستورات آن نیست. این امر حکایت از آن دارد که این کتاب، از منبع یگانه‌ی حق نشأت گرفته است، به این وجه اعجاز، «اعجاز در تناسب و هماهنگی آیات» گفته می‌شود.

**حدیث:** امام علی علیه السلام: «كِتَابُ اللَّهِ يَصْدَقُ بَعْضُهُ بَعْضًا وَ لَا يَنْقُضُ بَعْضُهُ بَعْضًا؛ آیات کتاب خداوند همدیگر را تصدیق کرده و نقض نمی‌کند.» احتجاج: ص ۲۵۹.

## اوصاف و ویژگی های قرآن

### قرآن؛ کتاب هدایت

هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ﴿۱۳۸﴾

این [قرآن] برای مردم، بیانگر [حوادث و واقعیات] و برای پرهیزکاران، سراسر هدایت و اندرز است. (آل عمران، ۱۳۸)

**توضیح:** قرآن کتاب هدایت‌گر انسان‌ها، شفابخش سینه‌ی دردمندان و نورشکافنده‌ی تاریکی‌هاست. چه بسیار انسان‌های فرزانه‌ای که بر سر خوان گسترده‌ی این «مأدبة الله» نشستند و از گنجینه‌ی پایان‌ناپذیر علوم و معارف آن توشه برداشتند. زلال جاری قرآن نه فقط مردم عصر نزول آن؛ بلکه خیل تشنگان معرفت و نور را تا ابد سیراب خواهد کرد. این معجزه‌ی جاوید پیامبر اسلام ﷺ بود که ندای تحدی آن هنوز هم صدای مخالفان و عنادورزان را در گلو خفه کرده و حجت تمامی است بر حقانیت دین اسلام. این کلام بزرگ الهی را جز ذات قدسی احدیت نمی‌تواند توصیف نماید. از این رو، آیات فراوانی از قرآن به تبیین عظمت و اوصاف خودش اختصاص دارد. در آیه‌ی فوق، به سه نام قرآن اشاره شده است: ۱- بیان؛ بیان‌گر و تبیین‌کننده‌ی تمام نیازهای انسان؛ ۲- هدی؛ هدایت‌گر و راهنمای پرهیزکاران؛ ۳- مَوْعِظَةٌ: پنددهنده و نصیحت‌گر به سوی خیرات و نیکی‌ها.

**حدیث:** پیامبر اکرم ﷺ: «فَإِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ؛ هنگامی که فتنه‌های زمان شما چون قطعه‌های شب تاریک شما را در بر گرفت، به نور هدایت قرآن چنگ زنید.» کافی: ج ۲ ص ۵۹۹ ح ۲.

## قرآن؛ شفا بخش مؤمنان

وَنُزِّلَ مِنَ الْقُرْآنِ إِنْ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ

لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا ﴿٨٢﴾

و ما از قرآن آنچه را برای مؤمنان مایه‌ی درمان و رحمت است، نازل می‌کنیم و ستمکاران را جز خسارت نمی‌افزاید. (اسراء، ۸۲)

**توضیح:** قرآن، پندی است که ژرفای ضمیر را تکان می‌دهد؛ داروی شفا دهنده‌ای است که سینه‌ها را از آلودگی‌های گناه و پلیدی‌های شرک پاک می‌کند؛ چراغ فروزانی است که تاریکی‌های جهل و خرافه را می‌شکافد؛ مایه‌ی رحمت برای مؤمنان و زمینه‌ساز دوری بیشتر کافران و کوردلان است. آری! هر کس به آیات قرآن عمل کرده و مفاهیم آن را در قلب و جانش باور کند، رحمت خدا بر او نازل شده و آلام روحی و جسمی‌اش تسکین می‌یابد و در مقابل، کسی که از این خان‌گسترده‌ی نعمت بهره‌ای نبرده و نسبت به احکام و معارف آن بی‌اعتنا باشد، بر گمراهی او افزوده می‌گردد؛ چرا که حجت بر او تمام شده و نعمت را تبدیل به نقت کرده است.

**حدیث:** امام باقر علیه السلام: «قَرَأَ الْقُرْآنَ ثَلَاثَةً؛ رَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَاتَّخَذَهُ بِضَاعَةً وَ اسْتَدَّرَ بِهِ الْمُلُوكَ وَ اسْتَطَالَ بِهِ عَلَى النَّاسِ؛ وَ رَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَحَفِظَ حُرُوفَهُ وَ ضَيَّعَ حُدُودَهُ؛ وَ رَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَوَضَعَ دَوَاءَ الْقُرْآنِ عَلَى دَائِهِ قَلْبُهُ؛ قَارِئَانِ قُرْآنِ سَهْ غُرُوهِنْدُ:

۱- کسی که قرآن می‌خواند تا به عنوان حرفه از آن بهره گرفته و از پادشاهان اجرت بگیرد و بر مردم فخر فروشی نماید. ۲- کسی که قرآن می‌خواند و الفاظ آن را حفظ نموده، ولی به حدود آن عمل نمی‌کند. ۳- کسی که دواي شفا بخش قرآن را بر دل بیمار خود نهاده [تا شفا ببیند].» کافی: ج ۲ ص ۶۲۷ ح ۱.

## قرآن؛ بیان‌کننده‌ی همه‌ی نیازهای بشر

... وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبَيِّنًا لِكُلِّ شَيْءٍ  
 وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ ﴿۸۹﴾

... و این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر هر چیزی و هدایت و رحمت و مژده‌ای برای تسلیم‌شدگان [به فرمان‌های خدا] است. (نحل، ۸۹)

**توضیح:** قرآن کریم از هیچ مطلبی که در راه رشد و کمال آدمی نیاز باشد، فروگذار نکرده است. هیچ موضوعی نیست که در قرآن برای آن راهکار دینی ارائه نشده باشد؛ اگرچه این راهکار به صورت بیانی کلی و فراگیر باشد. هم‌چنین قرآن رحمتی بزرگ و بشارتی وصف‌ناشدنی برای مؤمنان است. آنان که تسلیم محض پروردگار جهانیان هستند و از زلال جاری قرآن، جرعه‌های گوارای معرفت را می‌نوشند.

**حدیث:** امام صادق علیه السلام: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ تَبَيِّنًا كُلَّ شَيْءٍ حَتَّىٰ وَاللَّهِ مَا تَرَكَ اللَّهُ شَيْئًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْعِبَادُ حَتَّىٰ لَا يَسْتَطِيعَ عَبْدٌ يَقُولُ لَوْ كَانَ هَذَا أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ - إِلَّا وَقَدْ أَنْزَلَهُ اللَّهُ فِيهِ؛ به درستی که خداوند متعال در قرآن برای هر چیز در قرآن بیان روشنی قرار داد تا جایی که به خدا سوگند! چیزی را باقی نگذاشت که بندگان به آن احتیاج داشته باشند؛ به‌گونه‌ای که مطلبی نیست که بنده‌ای بتواند عذرتراشی کرده و بگوید: اگر این مطلب در قرآن نازل شده بود [من به آن عمل می‌کردم.]» کافی: ج ۱ ص ۵۹۹.

## قرآن؛ برترین کلام‌ها

اللَّهُ نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَبِهًا مَثَانِي  
 نَقَشِعُرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ  
 تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَٰلِكَ  
 هُدَىٰ اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ وَمَن يُضِلِلْ  
 اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ (۲۳)

خدا نیکوترین سخن را نازل کرد، کتابی که [آیاتش در نظم، زیبایی، فصاحت، بلاغت و عمق محتوا] شبیه یکدیگر است، مشتمل بر داستان‌های پندآموز [و امر، نهی، وعده، وعید، حلال و حرام] است؛ از شنیدن آیاتش پوست کسانى که از پروردگارشان می‌هراسند به هم جمع می‌شود، آن‌گاه پوستشان و دلشان به یاد خدا نرم می‌گردد و آرامش می‌یابد. این هدایت خداست که هر که را بخواهد به آن راهنمایی می‌کند؛ و هر که را خدا [به کیفر کفر و عنادش] همراه کند، او را هیچ هدایت‌کننده‌ای نخواهد بود (زمر، ۲۳)

**توضیح:** قرآن کریم نیکوترین سخنان است. آیاتش یکدیگر را تصدیق می‌نماید؛ در آن هیچ نشانی از تضاد و مخالفت نیست؛ از فصاحت و شیوایی بی‌نظیری برخوردار است. آیات عذابش مؤمنان را به خوف و هراس افکنده و آیات دل‌نشین ثوابش آنان را به فضل الهی امیدوار می‌کند.

**حدیث:** پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «فَضَّلَ الْقُرْآنَ عَلَىٰ سَائِرِ الْكَلَامِ كَفَضَّلِ اللَّهُ عَلَىٰ خَلْقِهِ؛ برتری قرآن بر دیگر سخنان، چون برتی خداوند بر مخلوقاتش است.» جامع‌الآخبار، ص ۴۰.

## قرآن؛ جداکننده‌ی حق و باطل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ

لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا ﴿١﴾

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان \* همیشه سودمند و با برکت است آن که فرقان را [که جداکننده‌ی حق از باطل است] به تدریج بر بنده‌اش نازل کرد، تا برای جهانیان بیم دهنده باشد. (فرقان، ۱)

**توضیح:** یکی از نام‌های قرآن کریم، «فرقان» است. فرقان به معنای جداکننده‌ی حق و باطل است. قرآن با تبیین ویژگی‌های حقیقت و توصیف اهل آن، حجت را بر همگان تمام ساخته است. گفتنی است از تعبیر «العالمین»، جهانی بودن دعوت قرآن و فراعصری بودن این کتاب مقدس نیز برداشت می‌شود.

**حدیث:** امام علی علیه السلام: «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ أَتَانِي جَبْرَيْلُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ سَيَكُونُ فِي أُمَّتِكَ فِتْنَةٌ قُلْتُ فَمَا الْمَخْرَجُ مِنْهَا فَقَالَ كِتَابُ اللَّهِ؛ از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیدم که گفت: جبرئیل نزد من آمد و خبر داد که امت تو به فتنه‌ای بزرگ مبتلا خواهند شد. پرسیدم: راه خروج از آن چیست؟ گفت: کتاب خدا.» تفسیر عیاشی؛ ج ۱ ص ۲۳.

## متلاشی شدن کوه از عظمت قرآن

لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا  
مُتَّصِدًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَلُ نَضْرِبُهَا  
لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَنْفَكِرُونَ ﴿۲۱﴾

اگر این قرآن را بر کوهی نازل می‌کردیم، قطعاً آن را از ترس خدا فروتن و از هم پاشیده می‌دیدیم. و این مثل‌ها را برای مردم می‌زنیم تا بیندیشند (حشر، ۲۱)

**توضیح:** آیه‌ی فوق از سنگدلی و قساوت قلب برخی بندگان در برابر آیات بیدار کننده‌ی قرآن اظهار شگفتی نموده و در تعبیری کوبنده و مؤثر، می‌فرماید که اگر قرآن بر کوه نازل می‌شد، با همه‌ی بزرگی و صلابتش از خوف پروردگار از هم می‌پاشید و به لرزه در می‌آمد. پس چگونه است که در قلب این انسان‌های بی‌خبر، نفوذ نمی‌کند. آری! قرآن تجلی خداست و اگر تجلی خدا بر مخلوقی عرضه شود، توان تحمل آن را نداشته و از هم پاشیده و متلاشی می‌شود؛ چنان‌که در ماجرای درخواست بنی‌اسرائیل برای مشاهده‌ی خدا همین گونه شد. (اعراف، ۱۴۳). به راستی، چنین حقیقتی هر انسان خفته‌ای را بیدار و هر غافلی را متذکر می‌سازد.

**حدیث:** امام علی علیه السلام: «فَتَجَلَّى لَهُمْ سُبْحَانَهُ فِي كِتَابِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونُوا رَأَوْهُ؛ خداوند در قرآن تجلی اوصاف خود را به نمایش گذاشت؛ بدون این‌که بندگان او را ببینند.» کافی: ج ۸ ص ۳۸۷ ح ۵۸۶.

## لزوم طهارت برای درک حقیقت قرآن

فَلَا أُقْسِمُ بِمَوْقِعِ النُّجُومِ ۗ (۷۵) وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لِّتَوْ  
تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ ۗ (۷۶) إِنَّهُ لَقُرْءَانٌ كَرِيمٌ ۗ (۷۷) فِي كِتَابٍ  
مَّكْنُونٍ ۗ (۷۸) لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ۗ (۷۹) تَنْزِيلٌ  
مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ۗ (۸۰)

به جایگاه ستارگان سوگند می خورم، (۷۵) که اگر بدانید بی تردید این سوگندی بس بزرگ است. (۷۶) یقیناً این قرآن، قرآنی است ارجمند و بالارزش؛ (۷۷) [که] در کتابی مصون از هر گونه تحریف و تغییر [به نام لوح محفوظ جای دارد]. (۷۸) جز پاک شدگان [از هر نوع آلودگی] به [حقایق و اسرار و لطایف] آن دسترسی ندارند. (۷۹) نازل شده از سوی پروردگار جهانیان است. (۸۰) (واقعه)

**توضیح:** حقیقت قرآن برای همگان دست یافتنی نیست. تنها کسانی می توانند اسرار و معارف عمیق قرآن را با جان و دل درک کنند که باطنشان از هر گونه آلودگی پاک گشته و در اعتقاد و عمل طیب و طاهر باشند. در برخی روایات مراد از آیه ی ۷۹، حرمت مس قرآن بدون طهارت ظاهری (غسل و وضو) نیز دانسته شده است.

**حدیث:** امام علی علیه السلام - پس از قرائت آیه ی فوق - : «لَا يَنَالُهُ كَلْمُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ؛ إِيَّانَا نَحْنُ عَنَى، الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنَّا الرَّجْسَ وَ طَهَّرَنَا تَطْهِيرًا؛ مقصود از آیه این است که به تمام قرآن دست نمی یابند؛ مگر کسانی که از آلودگی ها پاک شده باشند. مقصود ما [اهل بیت علیهم السلام] هستیم؛ چه این که خداوند هر گونه پلیدی را از ما دور ساخته و ما را طاهر گردانیده است. (اشاره به آیه ی ۳۳ احزاب)» بحار الانوار ج ۳۳ ص ۲۷۰.

### راه قرآن؛ استوارترین راه‌ها

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ  
وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ  
لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا ﴿٩﴾

بی‌تردید این قرآن به استوارترین آیین هدایت می‌کند، و به مؤمنانی که کارهای شایسته انجام می‌دهند، مژده می‌دهد که برای آنان پاداشی بزرگ است. (اسراء، ۹)

**توضیح:** قرآن کریم تبیین‌کننده‌ی «صراط مستقیم» است؛ یعنی به طریقه‌ای که مستقیم‌ترین و صافترین و پابرجاترین راه‌ها در کمال انسان است، دعوت می‌کند. قرآن کتابی است که سخن باطل در آن راه ندارد و از انحراف و کجی به دور است. قرآن بیدارکننده‌ی فطرت انسان به سوی خداست. از این رو، پیام آن با نیاز انسان همخوانی دارد. گفتنی است در برخی روایات، راهی که قرآن به سوی آن هدایت می‌کند، راه ولایت اهل بیت علیهم‌السلام عنوان شده است. این مطلب از هم‌آهنگی قرآن و عترت حکایت می‌کند.

**حدیث:** امام سجاد علیه‌السلام: «الْإِمَامُ يَهْدِي إِلَى الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ يَهْدِي إِلَى الْإِمَامِ؛ امام معصوم [بندگان را] به سوی قرآن هدایت می‌کند و قرآن به سوی امام هدایت می‌کند.» معانی الأخبار: ص ۱۳۲، ۱.

## جاودانگی قرآن

... وَأَوْحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ

وَمَنْ بَلَغَ ... ﴿١٩﴾

... و این قرآن [که گواهی خدا بر حَقانیت نبوت من است] به من وحی شده تا به وسیله ی آن شما و هر کسی را که این قرآن به او می رسد بیم دهم ... (انعام، ۱۹)

**توضیح:** قرآن کتابی فراعصری و جهان شمول است. پیام قرآن پیام مبتنی بر فطرت و عقل انسان ها در طول اعصار و قرون است. محتوای غنی و ژرف قرآن، دانشمندان علمی جهان را متعجب و شگفت زده می کند. طراوت در سخن و بیان تأثیرگذار قرآن، اجازه نمی دهد تا حلاوت تلاوت آن از بین برود. آیه ی فوق -علاوه بر خاتمیت پیامبر ﷺ- بر فراعصری بودن و جاودانگی قرآن نیز دلالت می کند. این مطلب از وسعت مفهوم «وَمَنْ بَلَغَ» تمام کسانی که این سخن به آن ها می رسد. «فهمیده می شود.

**حدیث:** امام صادق علیه السلام: «إِنَّ اللَّهَ لَمْ يُنْزِلْهُ لِرِمَانٍ دُونَ رِمَانٍ وَلَا لِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَعِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»؛ خداوند قرآن را برای زمان یا مردم خاصی نازل نکرد. از این رو، در هر عصری جدید و تازه و برای هر قومی، باطراوت است تا روز قیامت. «عیون أخبار الرضا: ج ۲ ص ۸۷ ح ۲۲».

## عدم تحریف قرآن

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿٩﴾

همانا ما قرآن را نازل کردیم، و یقیناً ما نگهدارنده آن [از تحریف و زوال] هستیم. (حجر، ۹)

**توضیح:** قرآن، کتاب مقدس مسلمانان، تنها کتاب آسمانی است که بشر در آن دست نبرده و کلام الهی را بدون هیچ گونه تغییر و کم و کاستی در خود جمع کرده و در اختیار بشر قرار داده است. تحریف یا لفظی است یا معنوی. تحریف لفظی به معنای تغییر الفاظ و عبارات متن و تحریف معنوی به معنای تفسیر ناشایست و شخصی از آن است. دلایل عدم تحریف قرآن هم عقلی است و هم نقلی. دلیل عقلی آن است که چون اسلام دین خاتم و قرآن کریم آخرین کتاب آسمانی و جامع تمام نیازهای بشری تا روز قیامت است، پس باید از تحریف و تغییر لفظی در امان باشد تا همگان بتوانند از منبع نورانی و زلال آن بهره مند گردند. دلیل نقلی تحریف هم علاوه بر گواهی تاریخ و تواتر یک یک آیات آن، این آیه ی شریفه است که در آن خداوند خود را نگهدارنده قرآن از تحریف دانسته است. دلیل دیگر عدم تحریف، روایاتی است که قرآن را چراغ هدایت بشر تا روز قیامت می داند.

**حدیث:** امام علی علیه السلام: «ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الْكِتَابَ نُورًا لَا تُطْفَأُ مَصَابِيحُهُ وَ سِرَاجًا لَا يَخْبُو تَوْقُودُهُ؛ خداوند کتاب قرآن را بر پیامبر نازل کرد که نوری است خاموش نشدنی، و چراغ پر فروغی است که به تاریکی نمی گراید.» نهج البلاغه: خطبه ۱۹۸.

## نزول دفعی قرآن در شب قدر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ﴿١﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ

الْقَدْرِ ﴿٢﴾ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ ﴿٣﴾ نَزَّلَ

الْمَلَائِكَةَ وَالرُّوحَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ ﴿٤﴾ سَلَامٌ

هِيَ حَتَّىٰ مَطَلَعِ الْفَجْرِ ﴿٥﴾

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان \* . ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم. (۱) تو چه می‌دانی شب قدر چیست؟ (۲) شب قدر، بهتر از هزار ماه است. (۳) فرشتگان و روح در آن شب به اذن پروردگارشان برای [تقدیر و تنظیم] هر کاری نازل می‌شوند. (۴) این شب تا برآمدن سپیده‌دم [سراسر] سلام و رحمت است. (۵)

(قدر)

**توضیح:** تاریخ گواه بر آن است که قرآن به طور تدریجی و در طول بیست و سه سال بر رسول خدا ﷺ نازل شده است. از سویی، در آیه‌ی ۱۸۵ و نیز آیات ابتدایی سوره‌ی قدر و دخان آمده است که تمام قرآن در ماه رمضان و در شب قدر نازل شده است. از این دو مطلب فهمیده می‌شود که قرآن دارای دو نزول بوده است: ۱- نزول تدریجی: که در قرآن غالباً از آن به «تنزیل» یاد می‌شود. (اسراء، ۱۰۶) ۲- نزول دفعی: که در قرآن از آن به «إنزال» یاد می‌شود. حقیقت نزول دفعی قرآن در کتب مربوطه تبیین شده است.

**حدیث:** امام باقر علیه السلام: «ای شیعیان! با سوره‌ی قدر بر مخالفان خود احتجاج کنید که بر آنان پیروز خواهید شد. این سوره، حجت خدا بر مردم پس از رسول خداست.» کافی: ج ۱ ص ۲۴۹ ح ۶.

## برخی آداب تلاوت قرآن

### ۱. انس دائمی

... فَأَقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ ... ﴿۲۰﴾

... پس آنچه را از قرآن برای شما میسر است بخوانید... (مزمّل، ۲۰)

**توضیح:** انسان هیچ‌گاه از انس با قرآن بی‌نیاز نخواهد بود؛ زیرا محتوای علمی و تربیتی غنی آن پاسخی به مهم‌ترین نیازهای زندگی دنیوی و اخروی اوست. در این آیات از مؤمنان خواسته شده است تا قرآن را در حد توانشان تلاوت نموده و در انس با این کتاب مقدس کوتاهی نکنند. بدیهی است که مقصود از انس با قرآن، بسنده نمودن به تلاوت ظاهری یا حفظ آن نیست؛ بلکه متخلق شدن به اخلاق و آداب قرآنی هدف نهایی از این کار است. سیره‌ی عملی معصومین علیهم‌السلام و علمای ربانی نیز حکایت از انس شدید آن بزرگواران با قرآن کریم و ختم پی‌درپی آن دارد. گفتنی است در روایات اسلامی، تأکید فراوانی بر انس کودکان و نوجوانان با قرآن شده است تا آیات دل‌نشین آن در قلب صاف و پاکشان نشست و با گوشت و خونشان درهم آمیزد.

**حدیث:** امام صادق علیه‌السلام: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَ هُوَ شَابٌّ مُؤْمِنٌ اِخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَ دَمِهِ؛ كَسَى كَسَى كَسَى» که در جوانی قرآن بیاموزد، قرآن با گوشت و خون او آمیخته خواهد شد. «کافی: ج ۲ ص ۶۰۳ ح ۴»

## ۲. خشوع و خضوع

إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَىٰ  
عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا ﴿١٠٧﴾

همانا کسانی که پیش از [نزول] آن معرفت و دانش یافته اند، زمانی که بر آنان می خوانند، سجده کنان به رو در می افتند. (اسراء، ۱۰۷)

**توضیح:** تلاوت قرآن کریم آدابی دارد که شایسته است عموم مسلمانان به آن توجه نمایند تا از آثار و فواید معنوی تلاوت قرآن محروم نگردند. در مرحله ی نخست باید، خشوع و خضوع در برابر قرآن رعایت شود. مقصود از خشوع و خضوع، تأثر قلبی است که در اعضا و جوارح نیز نمایان می شود. قاری قرآن باید خود را در محضر خداوند احساس کرده و از تلاوت قرآن احساس تقرب به خدا بکند. وی باید هنگام تلاوت آیات دل نشین الهی، چنان متأثر و متذکر گردد که بر حسب مضمون آیات، حالت حزن یا شادی برایش حاصل گردد و حقیقتاً از آیات قرآن بهره مند گردد؛ به گونه ای که پس از پایان تلاوت در خود رشد معنوی را بیابد.

**حدیث:** پیامبر اکرم ﷺ: «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَصَدُّ كَمَا يَصَدُّ الْحَدِيدُ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا جَلَاؤُهَا؟ قَالَ: ذِكْرُ اللَّهِ وَ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ؛ این دل ها نیز همانند آهن زنگار می بندد. عرض شد: ای رسول خدا! صیقل دهنده ی آن چیست؟ فرمود: یاد خدا و تلاوت قرآن.» دعوات راوندی، ص ۲۷۳ ح ۶۶۲.

## ۳. تدبیر

كُتِبَ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبْرَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ  
وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٢٩﴾

این کتاب پربرکتی است که آن را بر تو نازل کرده‌ایم تا آیاتش را تدبیر کنند و خردمندان متذکر شوند. (ص، ۲۹)

**توضیح:** در این آیه هدف از نزول قرآن، تدبیر در آیاتش بیان شده است. تدبیر در قرآن به معنای اندیشیدن در اهداف و مقاصدی است که آیات قرآن به آن اشاره دارد. تلاوتی که با تدبیر در آیات همراه نشود، کم‌ثمر است؛ چنانچه اگر شخصی به گنجینه‌ای از طلا و جواهر گران بها دست یابد، ولی تنها به مشاهده و شمارش مقدار آن بسنده کند و اندوخته‌ای بر ندارد. قرآن کریم در آیه‌ی ۲۴ سوره‌ی محمد، عدم تدبیر در آیات را نشانه‌ی قفل شدن قلب‌ها و غفلت دانسته است. متأسفانه برخی از مسلمانان به آداب مقدماتی چون تجوید، زیبایی صوت و ... بیشتر از آداب نهایی و غایی تلاوت اهمیت می‌دهند و به تعبیری، با وجود فراگیری مقدمات بایسته‌ی تلاوت، خود را در آن مرحله متوقف نموده‌اند.

**حدیث:** امام علی علیه السلام: «لَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةِ لَا تَدَّبَّرَ فِيهَا؛ قِرَائَتِي  
که تدبیر در آن نباشد خیری در آن نیست.» مشکاة الأنوار: ص ۱۳۸.

## ۴. ترتیل

## وَرَقِلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً ۴

و قرآن را شمرده و روشن و با تأمل و دقت بخوان (مزمّل، ۴)

**توضیح:** از مهم‌ترین آداب قرائت قرآن، ترتیل است. این واژه‌ی قرآنی با معنای اصطلاحی آن در فنّ قرائت قاریان امروزی تفاوت دارد. ترتیل در اصل به معنای «تنظیم» و «ترتیب موزون» است و در روایات، به معنای خواندن آیات قرآن با تأنی و نظم لازم، ادای صحیح حروف، استفاده از صدای نیکو، دل‌نشین و حزین، تبیین کلمات و از همه مهم‌تر، دقت و تأمل در مفاهیم آیات و خضوع و خشوع در برابر آن تعریف شده است. پیشوایان دینی ما، مسلمانان و علاقه‌مندان به قرآن را از تلاوت سرسری و زیاد خواندن بدون توجه به معنا برحذر داشته و با وجود تأکید بر تلاوت زیاد قرآن، متذکر شده‌اند که تلاوت اندک همراه با ترتیل و تدبر، از زیاد خواندن همراه با تندخوانی، بهتر و با هدف قرآن سازگارتر است.

**حدیث:** امام علی علیه السلام - در معنای ترتیل - : «بَيْنَهُ تَبْيَانًا وَ لَا تَهْدُهُ هَذَّ الشُّعْرِ وَ لَا تَنْتُرُهُ نَثْرَ الرَّمْلِ وَ لَكِنْ أَفْرَعُوا قُلُوبَكُمْ الْقَاسِيَةَ وَ لَا يَكُنْ هُمْ أَحَدِكُمْ آخِرَ السُّورَةِ؛ آن را خوب بیان کن و همانند شعر آن را بشتاب مخوان، و مانند ریگ آن را پراکنده مساز؛ بلکه دل‌های سخت خود را به وسیله‌ی آن به بیم و هراس افکنید، و همت هیچ‌یک از شما این نباشد که فقط سوره را به آخر رساند.» کافى: ج ۲ ص ۶۱۴ ح ۱.

## ۵. تلاش برای حفظ قرآن

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ﴿١٧﴾

و یقیناً ما قرآن را برای پند گرفتن آسان کردیم، آیا پند گیرنده‌ای هست؟ (قمر، ۱۷)

**توضیح:** این آیه چهار بار در سوره ی قمر ذکر شده است و بندگان را به بهره‌گیری از نعمت بزرگ قرآن فرا می‌خواند. از امتیازات قرآن نسبت به کتب آسمانی دیگر، این است که حقایق عالی و پیچیده را با زبانی شیوا و قابل فهم برای همگان تنزل داده است. قرآن تنها کتاب دانشمندان و علمای ربانی نیست؛ بلکه عموم مردم به فراخور افق‌های مختلف فهم و درکشان از آن بهره می‌برند. زبان قرآن، زبان جهانی فطرت است که آسان، قابل فهم و پر از شواهد بیرونی و دورنی است.

از آیه ی فوق یکی دیگر از امتیازات قرآن نیز برداشت شده است و آن این‌که از میان کتب آسمانی، قرآن تنها کتاب آسمانی است که به دلیل شیوایی و جذابیت ادبی و محتوایی، قابل حفظ کردن و تلاوت است. بسیاری از مفسران، مقصود از ذکر در آیه را - علاوه بر تذکر و پندگیری - حفظ کردن نیز دانسته‌اند.

**حدیث:** امام صادق علیه السلام: «الْحَافِظُ لِلْقُرْآنِ الْعَامِلُ بِهِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ؛ حافظ قرآن که به آن عمل نماید، همراه سفیران گرامی و نیک کردار پروردگار خواهد بود.» کافعی: ج ۲ ص ۲۶۰-۲۶۱.

## ۶. استعاذه

فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ  
مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴿٩٨﴾

هنگامی که قرآن می‌خوانی از شیطان رانده شده به خدا پناه ببر.  
(نحل، ۹۸)

**توضیح:** تلاوت قرآن، ارتباط با خداست. روشن است که ارتباط با خدا و گوش سپردن به آیات عمیق قرآن، نیاز به طهارت روح و دوری از آلودگی‌های نفسانی دارد. از سویی برای دوری از رذایل اخلاقی و آمادگی پذیرش معنویت قرآن، نیاز به فضل و رحمت خداوند است. بنابراین شایسته است قاری قرآن از همان ابتدای تلاوت تا انتهای قرآن خود را در پناه پروردگارش قرار دهد تا از تیررس وساوس نفس و حيله‌های پنهان و پیدای ابلیس در امان بماند. عجب، غرور، تکبر و غفلت، مهم‌ترین عوامل بازداری انسان از یاد خدا و تلاوت شایسته‌ی قرآن است.

**حدیث:** امام صادق علیه السلام: «إِغْلَقُوا أَبْوَابَ الْمَعْصِيَةِ بِالِاسْتِعَاذَةِ وَ افْتَحُوا أَبْوَابَ الطَّاعَةِ بِالتَّسْمِيَةِ؛ درب‌های گناه را با استعاذه ببندید و درب‌های اطاعت را با نام خدا بگشائید.» دعوات راوندی: ص ۵۲ ج ۱۲۰.

## ۷. استماع و انصات

وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا  
لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿۲۰۴﴾

و هنگامی که قرآن خوانده شود، به آن گوش فرا دهید و سکوت کنید تا مشمول رحمت شوید. (اعراف، ۲۰۴)

**توضیح:** یکی از آداب قرآن «استماع» و «انصات» هنگام شنیدن آن است که گاه واجب نیز می‌شود. «استماع» به معنای گوش سپردن همراه با پذیرش قلبی است «انصات» نیز مترادف کلمه‌ی «سکوت» و مقدمه‌ی استماع است. بنابراین، این ادب قرآنی به این معناست که به آیات قرآن گوش فرا داده و برای دریافت پیام آن تمرکز نمود. قرآن کریم بارها صفات پرهیزکاران و مؤمنان راستین خود را این دانسته که با استماع آیات قرآن، دچار دگرگونی روحی و معنوی شده و گاه از شدت خضوع و خشوع به سجده می‌افتند. شایسته است که مؤمنان نیز در محافل قرآنی به این ادب قرآن توجه نمایند. گفتنی است مفهوم آیه‌ی فوق وسیع‌تر از معنایی است که مشهور است. در حقیقت، این آیه یکایک مسلمانان را مخاطب قرار می‌دهد که در موضوعات و مسائل مطرح در جامعه، نظر قرآن را بر همه‌ی آراء مقدم داشته و سخنی مخالف قرآن نگویند.

**حدیث:** پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «أَلَا مَنْ اشْتَقَّ إِلَى اللَّهِ فَلَيْسَتْ مَعَهُ كَلِمَةُ اللَّهِ؟ أَگاه باشید، هر کس مشتاق خدا باشد، باید کلام (قرآن) او را گوش دهد.» کنز العمال: ج ۱ ص ۵۵۱ ح ۲۴۷۲.

## شکایت پیامبر ﷺ از مهجوریت قرآن

وَقَالَ الرَّسُولُ يَرْبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا

الْقُرْآنَ مَهْجُورًا ﴿٣٠﴾

پیامبر [در قیامت] می گوید: ای پروردگار من همانا قوم من این قرآن را متروک گذاشتند! (فرقان، ۳۰)

**توضیح:** قرآن سرمایه‌ی معنوی مسلمانان و ودیعه‌ی ماندگار پیامبر اسلام است که بارها امتش را به تمسک به آن سفارش نمود، ولی با نهایت تأسف جوامع اسلامی این رکن مهم هدایت را وانهادند و به احکام و معارف آن عمل نمی‌کنند. قرآن هم در تلاوت، هم در حفظ، هم در تفسیر، هم در تدبیر، هم در عمل و هم در برپا شدن احکام آن در جامعه و خلاصه در همه‌ی ابعاد آن مهجور واقع شده است. متأسفانه کم نیستند کسانی که روزها، ماه‌ها و حتی سال‌ها از عمرشان می‌گذرد، ولی آیه‌ای از قرآن را تلاوت نکرده‌اند. آیه‌ی فوق از شکایت پیامبر نسبت به گروهی از مسلمانان حکایت می‌کند که قرآن را به انزوا کشانده‌اند. نکته‌ی قابل توجه آن که در آیه‌ی مذکور، پیامبر اکرم ﷺ نفرموده است: امت من قرآن را رها کردند؛ بلکه می‌فرماید: امتم آن را در اختیار گرفته، و به مهجوریت کشانده‌اند؛ یعنی گرچه در ظاهر به قرآن می‌پردازند، ولی دستورات آن را بر زمین نهاده‌اند.

**حدیث:** امام صادق علیه السلام: «ثَلَاثَةٌ يَشْكُونَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَسْجِدَ خَرَابٍ لَا يُصَلَّى فِيهِ أَهْلُهُ وَ عَالِمٌ بَيْنَ جَهَالٍ وَ مُصْحَفٌ مُعَلَّقٌ قَدْ وَقَعَ عَلَيْهِ الْغُبَارُ لَا يُقْرَأُ فِيهِ؛ سه چیز است که [در قیامت] به درگاه خدا شکایت می‌کند: ۱- مسجد ویرانی که اهلس در آن نماز نخوانند، ۲- عالمی که میان نادان‌ها باشد و قرآنی که غبار بر آن نشسته و خوانده نشود.» کافی: ج ۲ ص ۶۱۳ ح ۳.

## فصل چهارم امامت

شامل گفتارهای:

- ادله‌ی عقلی و نقلی امامت
- ادله‌ی عصمت امامان علیهم‌السلام
- ادله‌ی امامت حضرت علی علیه‌السلام
- فضایل اهل بیت علیهم‌السلام
- مهدویت و امام زمان علیه‌السلام
- تولی و تبری

## ادله‌ی عقلی و نقلی امامت

### ضرورت عقلی پیروی از شایسته‌ترین فرد

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي  
لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا  
يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿٣٥﴾

بگو: آیا از معبودان شما کسی هست که به سوی حق هدایت کند؟  
بگو: فقط خداست که به سوی حق هدایت می‌کند؛ پس آیا کسی  
که به سوی حق هدایت می‌کند، برای پیروی شدن شایسته‌تر  
است یا کسی که هدایت نمی‌یابد مگر آن که هدایتش کنند؟ شما  
را چه شده؟ چگونه [بدون دانش] داوری می‌کنید؟ (یونس، ۳۵)

**توضیح:** موضوع آیه ی فوق، نوعی استدلال بر یگانگی خداوند  
است. خداوند در این آیه، از مشرکان می‌پرسد که آیا پیروی از  
کسی مانند خدا که خود هدایت یافته و آگاه به مصالح و مفاسد  
است، عقلانی و شایسته‌تر است یا پیروی از بت‌ها و معبودهایی  
که از خود آگاهی و اختیاری نداشته و نمی‌توانند بندگان را به  
مصالح خود راهنمایی کنند. علمای شیعه به پیروی از امامان،  
از نوع استدلال فوق، برای اثبات امامت نیز بهره‌جسته‌اند؛ با  
این توضیح که برای هدایت و راهنمایی بندگان پس از پیامبر  
اسلام ﷺ، چه کسی بهتر از امامان معصوم علیهم‌السلام است که از علم  
خداوندی برخوردار بوده و بتوانند بندگان را به سرمنزل کمال و  
رشد برسانند؟!

**حدیث:** امام رضا علیه‌السلام: «خداوند از گنجینه‌های علم و حکمتش  
به امامان عطا کرد؛ آن چه را به دیگران نداد. امامان برترین  
مردم زمان خود و عالم‌ترین آنان بودند. خداوند می‌فرماید: أَفَمَنْ  
يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ ... » کافی: ج ۱ ص ۲۰۲ ح ۱.

## حشر مردم با امامان خود

يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَّتِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ  
 كِتَابَهُ، يَمِينِهِ، فَأُوْتِيَكَ يَقْرَأُونَ  
 كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا ﴿٧١﴾

[یاد کن] روزی را که هر گروهی از مردم را با پیشوایشان می خوانیم پس کسانی که نامه اعمالشان را به دست راستشان دهند، پس آنان نامه خود را [با شادی و خوشحالی] می خوانند و به اندازه رشته میان هسته خرما مورد ستم قرار نمی گیرند. (اسراء، ۷۱)

**توضیح:** بنا بر اعتقاد شیعیان، لطف و حکمت خداوند متعال اقتضا می نماید تا در هر زمانی فردی را برای هدایت بندگان برگزیند. به عبارت دیگر، همان حکمتی که برای بعثت انبیاء گفته شد، برای ضرورت امامت نیز خواهد بود. در آیه ی فوق، این مطلب بیان شده که در روز قیامت هر فرد به همراه پیشوای خود محشور شده و از او بازخواست می شود. این به معنای اهمیت نقش رهبری در سرنوشت انسان هاست. با این وجود، باید به انتخاب برترین و کامل ترین پیشوای دینی پرداخت تا از گزند لغزش و گمراهی های احتمالی در امان باشیم. این خود دلیلی بر ضرورت نیاز به امام معصوم و حجت خدا در هر عصر است.

**حدیث:** امام صادق علیه السلام: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ يَأْتِي النَّدَاءُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ أَلَا مَنْ اتَّخَذَ بِإِمَامٍ فِي دَارِ الدُّنْيَا فَلْيَتَّبِعْهُ إِلَى حَيْثُ يَذْهَبُ بِهِ؛ وَوَقْتِي رُؤْسَ قِيَامَتِي مِي شُود، نَدَائِي از نزد خدای عزیز و جلیل می آید که: هر کس به امامی در دنیا اقتدا کرده، به دنبال او رود، به هر جا که می رود (بهشت یا جهنم)!» امالی طوسی: ص ۶۴، ۹۲.

## وجوب اطاعت از اولی الامر

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا اطِيعُوْا اللّٰهَ وَاطِيعُوْا الرَّسُوْلَ وَاُوْلِيَ الْاَمْرِ  
مِنْكُمْ فَاِنْ نَنْزَعْنٰمْ فِيْ شَيْءٍ فَرُدُّوْهُ اِلَى اللّٰهِ وَالرَّسُوْلِ اِنْ كُنْتُمْ  
تُوْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ ذٰلِكَ خَيْرٌ وَّاَحْسَنُ تَاْوِيْلًا ﴿٥٩﴾

ای اهل ایمان! از خدا اطاعت کنید و [نیز] از پیامبر و صاحبان امر خودتان [که امامان از اهل بیت‌اند و چون پیامبر دارای مقام عصمت می‌باشند] اطاعت کنید. و اگر درباره‌ی چیزی نزاع داشتید، آن را [برای فیصله یافتنش] اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، به خدا و پیامبر ارجاع دهید؛ این [ارجاع دادن] برای شما بهتر و از نظر عاقبت نیکوتر است. (نساء، ۵۹)

**توضیح:** آیه‌ی «اولوالأمر» یکی از مهم‌ترین آیات در اثبات امامت و عصمت امامان شیعه علیهم‌السلام می‌باشد. بنا بر این آیه، خداوند اطاعت از «اولوالأمر» را در کنار اطاعت از خود و رسولش قرار داده و از مؤمنان می‌خواهد در تمام امور زندگی خود از آنان اطاعت کنند. روایات متعددی در منابع شیعه و اهل سنت نقل شده که همگی گواهی می‌دهند که منظور از «اولوالأمر» ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام می‌باشند و حتی در بیشتر آن‌ها نام امامان صریحاً ذکر شده است. گفتنی است این آیه هم دلیلی نقلی برای اثبات اصل امامت است؛ هم به ضمیمه‌ی روایات شأن نزول، امامت امامان شیعه علیهم‌السلام را اثبات می‌کند و هم لزوم عصمت آنان را می‌رساند؛ زیرا دستور به پیروی مطلق از آنان به معنای تأیید مطلقشان در همه‌ی امور و عصمتشان است.

**حدیث:** امام سجاد علیه‌السلام: «همانا خداوند پاکیزگان از نسل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را برای امامت و پیشوایی بر تمام مکلفین برگزید و پیروی از ایشان را واجب کرد.» تفسیر منسوب به امام عسکری علیه‌السلام ص ۹۹ ح ۳۵۶.

## وجود هدایت‌کننده برای همه‌ی زمان‌ها

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ ۗ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ ﴿٧﴾

و کافران می‌گویند: چرا از سوی پروردگارش معجزه‌ای [غیر قرآن] براو نازل نشده؟ تو فقط بیم‌دهنده‌ای [نه اعجاز‌کننده‌ای که هر زمان هر کس و برای هر هدفی غیر منطقی بخواهد، دست به اعجاز بزنی] او برای هر قومی هدایت‌کننده‌ای است. (رعد، ۷)

**توضیح:** یکی دیگر از آیاتی که به اثبات اصل امامت می‌پردازد، آیه‌ی «هادی امت» است. در این آیه خداوند ضمن دل‌داری به پیامبر ﷺ در برابر مخالفت مشرکان، آن حضرت را مورد خطاب قرار می‌دهد که تو تنها اندازکننده‌ای و مسئولیتی در قبال هدایت نیافتن آنان نداری و برای هر قومی هدایت‌کننده‌ای است. شیعه و سنی از ابن عباس نقل کرده‌اند که پس از نزول آیه، پیامبر اکرم ﷺ دست مبارکش را بر روی سینه گذاشتند و فرمودند: «مَنْ مُنذِرٍ (انذاردهنده) هستم.» و آن‌گاه به امیرالمؤمنین عليه السلام اشاره کردند و فرمودند: «و تو هادی (هدایت‌کننده) هستی که مؤمنان به وسیله‌ی تو هدایت می‌شوند.» از این آیه هم‌چنین فهمیده می‌شود که زمین هیچ‌گاه از هدایت‌گر خالی نمی‌شود.

**حدیث:** امام صادق عليه السلام: «لَوْ بَقِيَتْ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَّسَاخَتْ؛

اگر زمین از امام خالی شود، در هم فرو می‌ریزد.» کافی، ج ۱ ص ۱۷۹ ح ۱۰.

### تعیین وصی توسط موسی علیه السلام برای مدت کوتاه

وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ  
مِيقَاتُ رَبِّهِ أَزْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ  
هَارُونَ أَخْلُقْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ

#### الْمُفْسِدِينَ ﴿١٤٢﴾

و با موسی [برای عبادتی ویژه و دریافت تورات] سی شب وعده گذاشتیم و آن را با [افزودن] ده شب کامل کردیم، پس میعادگاه پروردگارش به چهل شب پایان گرفت، و موسی [هنگامی که به میعادگاه می‌رفت] به برادرش هارون گفت: در میان قومم جانشین من باش و به اصلاح برخیز و از راه و روش مفسدان پیروی مکن. (اعراف، ۱۴۲)

**توضیح:** در بحث نبوت گفته شد که پیامبران از هیچ تلاشی در انجام وظیفه‌ی ارشاد و هدایت‌گری دریغ نکرده و با تمام وجود با زمینه‌های گمراهی امتشان مبارزه کردند. از سویی، بزرگ‌ترین منشأ گمراهی هر امتی، نبود رهبر دینی و پیروی از افراد ناشایست در امور دینی است. بنابراین، نمی‌توان پذیرفت که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله - با وجود نگرانی زیاد نسبت به گمراهی امتش و وجود دشمنان فراوان برای ضربه زدن به دین اسلام - از انتخاب جانشین شایسته برای خود غافل مانده و امت را به حال خود رها کرده باشد. آیه‌ی فوق نیز از جانشینی هارون در زمان غیبت کوتاه موسی علیه السلام خبر می‌دهد.

**حدیث:** پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - خطاب به حضرت علی علیه السلام -: «أَمَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي مِمَّنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي؛ آیا راضی نیستی که برای من همانند هارون برای موسی باشی؟ جز این که پیغمبری پس از من نخواهد بود.» امامی

مفید: ص ۵۷ ج ۲.

## ادله‌ی عصمت امامان

### ۱. آیه تطهیر

... إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ

أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ﴿۳۳﴾

... جزاین نیست که همواره خدای خواهد هرگونه پلیدی را از شما اهل بیت [که به روایت شیعه و سنی محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام اند] برطرف نماید، و شمارا چنان که شایسته است [از همه ی گناهان و معاصی] پاک و پاکیزه نگه دارد. (احزاب، ۳۳)

**توضیح:** پیشتر به آیه ی «اولوالأمر» به عنوان یکی از دلایل قرآنی عصمت امامان علیهم‌السلام اشاره شد. آیه ی دیگر در این زمینه، آیه ی «تطهیر» است که بر طهارت و پاکی اهل بیت علیهم‌السلام از هرگونه آلودگی و پلیدی تأکید می‌کند. این آیه - که به اعتراف روایات سنی و شیعه درباره ی پنج تن آل عبا (حضرت محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام) نازل شده است - از اراده ی تکوینی خداوند مبنی بر دور ساختن ایشان از گناه و معصیت خبر می‌دهد. این بدان معنا نیست که عصمت آن خاندان اجباری بوده و از خود هیچ اختیاری نداشته‌اند؛ بلکه اختیاری و آگاهانه است، ولی مرتبه‌ای از تأییدات الهی را هم نیاز دارد.

**حدیث:** انس بن مالک (از اصحاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): «پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مدت شش ماه وقتی برای اقامه ی نماز صبح از خانه خارج می‌شد، چون به خانه ی فاطمه علیها‌السلام می‌رسید، می‌فرمود: ای اهل بیت من! برای نماز آماده شوید. آن‌گاه آیه ی تطهیر را می‌خواند.» سنن ترمذی: ج ۵ ص ۳۱ ح ۲۳۵۹.

## ۲. آیه ابتلاء

وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي  
 جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا  
 يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ

و [یاد کنید] هنگامی که ابراهیم را پروردگارش به تکالیفی [بسیار مهم] آزمایش کرد، پس او همه را به طور کامل به انجام رسانید، پروردگارش فرمود: من تو را برای همه ی مردم پیشوا قرار دادم. ابراهیم گفت: و از دودمانم [نیز پیشوایانی برگزین]. [پروردگارا] فرمود: پیمان [امامت] من به ستمکاران نمی رسد. (بقره، ۱۲۴)

**توضیح:** این آیه، از اعطای مقام امامت به ابراهیم علیه السلام پس از سربلندی آن حضرت از آزمایش های سخت الهی خبر می دهد. حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند امامت را برای نسل خود نیز درخواست کرد، ولی خداوند به او تأکید کرد که امامت مقامی خاص بوده که به ظالمان از نسل او نمی رسد. این آیه، یکی از دلایل معصوم بودن امام است؛ زیرا تصریح می کند که ظلم و بیدادگری، به هر نوعی و در هر جا و از هر کس، سبب محرومیت از مقام والای امامت می شود. از سویی، می دانیم که گناه و خطا نیز ظلم به خداوند و خویشتن به شمار می رود. بنابراین، لازمه ی اعطای مقام امامت، عصمت است. گفتنی است از این آیه روشن می گردد مقام امامت بالاتر از نبوت است؛ زیرا حضرت ابراهیم علیه السلام پس از نبوتش به این مقام رسید.

**حدیث:** امام رضا علیه السلام: «أَبْطَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ إِمَامَةَ كُلِّ ظَالِمٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ این آیه، امامت و خلافت هر ظالمی را تا روز قیامت باطل می سازد.» کافی: ج ۱ ص ۱۹۹.

## ۳. آیه صادقین

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ

الصَّادِقِينَ ﴿١١٩﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا پروا کنید و با صادقان باشید [که کامل‌ترینشان پیامبران و اهل بیت او هستند.] (توبه، ۱۱۹)

**توضیح:** «صادقین» به کسانی گفته می‌شود که رفتار و گفتارشان مطابق با حق باشد. در آیه ی ۱۷۷ بقره، خداوند صادقان را کسانی معرفی کرده که از ایمان و اعمال صالح برخوردارند. در آیه ی ۶۹ نساء نیز، آنان را همراه با انبیاء و در زمره ی بهره‌مندان از نعمت بزرگ پروردگار دانسته است. با این توضیحات، روشن می‌گردد که صادقان حقیقی کسانی هستند که از اعماق وجود به خداوند متعال ایمان داشته و با جان و دل، بر درستی ایمانشان گواهی می‌دهند. این آیه ی شریفه، مؤمنان را به همراهی با صادقان و راست‌گویان فرامی‌خواند. در امر خداوند به پیروی از صادقین، هیچ‌گونه قید و شرطی وجود ندارد و مقصود از «صادقین» کسانی هستند که راستگویی آن‌ها معلوم است. بنابراین، صادقین همان معصومان علیهم‌السلام هستند که قول و عملشان با دین مطابقت داشته و جز راستی و درستی از آنان سر نمی‌زند.

**حدیث:** امام رضا علیه‌السلام - در تفسیر آیه ی فوق -: «الصَّادِقُونَ هُمُ الْأُمَّةُ وَ الصَّادِقُونَ بِطَاعَتِهِمْ». مقصود از صادقین، ائمه علیهم‌السلام هستند که در اطاعت خداوند بسیار راست‌گو و راست‌کردار

هستند. «کافی: ج ۱ ص ۲۰۸ ح ۲»

## ادله‌ی امامت حضرت علی علیه السلام

### ۱. آیه اکمال دین

... أَلْيَوْمَ يَيْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ  
فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ  
دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمْ  
الْإِسْلَامَ دِينًا... ﴿٣﴾

... امروز کفرپیشگان از [شکست] دین شما ناامید شده‌اند؛ بنابراین از آنان مترسید و از من بترسید. امروز [با نصب علی بن ابی طالب علیه السلام به ولایت و امامت امت] دینتان را برای شما کامل، و نعمتم را بر شما تمام کردم، و اسلام را برایتان به عنوان دین پسندیدم... (مائده، ۳)

**توضیح:** به اجماع علمای شیعه و اعتراف بسیاری از علمای اهل سنت، این آیه در ماجرای غدیر خم و پس از نصب علی علیه السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله به امامت و جانشینی خود، نازل شده است. خداوند در این آیه، به مؤمنان مژده می‌دهد که با این کار، نعمت هدایت خود را بر مسلمانان تمام و دین اسلام را کامل ساخته است؛ زیرا مخالفان اسلام هیچ امیدی برای ضربه به پیکره‌ی این آیین را نخواهند داشت و بر این اساس، تنها آرزوی مرگ رسول خدا صلی الله علیه و آله را داشتند تا پس از وی مسلمانان را از مسیر اسلام جدا سازند. از این رو، اعلام خلافت حضرت علی علیه السلام، تضمین ادامه‌ی راه مسلمانان و کامل‌کننده‌ی دین اسلام بود.

**حدیث:** امام علی علیه السلام: «مردم زمانی هلاک شدند که میان امامان حق و باطل فرق نگذاشته و تصور کردند هر کس در جایگاه خلافت ایستاد، باید اطاعت شود.» بحار الانوار: ج ۶۹ ص ۱۷۶.

## ۲. آیه ولایت

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ  
وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ ﴿٥٥﴾ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ  
وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ ﴿٥٦﴾

سرپرست شما فقط خدا و رسول اوست و مؤمنانی [مانند علی بن ابی طالب اند] که همواره نماز را برپا می‌دارند و در حالی که در رکوعند، زکات می‌دهند. (۵۵) و کسانی که خدا و رسولش و مؤمنانی [چون علی بن ابی طالب علیه السلام] را به سرپرستی و دوستی بپذیرند [حزب خدایند] و یقیناً حزب خدا پیروزند. (۵۶) (مائده)

**توضیح:** این آیه زمانی نازل شد که امیر مؤمنان علی علیه السلام در هنگام نماز انگشتی خود را به فقیر نیازمند دادند. معنای «ولی» در این جا، سرپرست و رهبر است؛ نه دوست؛ زیرا اگر به معنای دوست بود، نیازی به حصر آن در این سه مورد (خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنانی که آن صفات را دارند) نبود. گفتنی است به کار رفتن صیغه ی جمع برای بیان خصوصیات یک فرد، امری متداول در ادبیات عرب است و شواهد قرآنی نیز دارد. (آل عمران، ۱۷۲ و ۱۶۱ / مائده، ۵۲ و ...). هم چنین باید گفت اعطای انگشت در حال رکوع با حضور قلب آن حضرت در نماز، منافات ندارد؛ زیرا این کار نیز در مسیر رضای خدا و عبادت در عبادت است؛ نه روی گردانی از خدا و غفلت از او.

**حدیث:** پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - پس از تلاوت آیه ی فوق - : « وَ عَلِيٌّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ هُوَ رَاكِعٌ يُرِيدُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ؛ مقصود از این آیه، علی بن ابی طالب علیه السلام است که نماز خواند و در حال رکوع، زکات داد. او همواره به دنبال رضای خداست. » احتجاج، ص ۵۹.

## ۳. آیه تبلیغ

يَأْتِيهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ  
 لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ  
 النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿٦٧﴾

ای پیامبر! آنچه از سوی پروردگارت [درباره‌ی ولایت و رهبری  
 امیرالمؤمنین علیه السلام] بر تو نازل شده ابلاغ کن؛ و اگر انجام ندهی  
 پیام خدا را نرسانده‌ای. خدا تو را از [آسیب و گزند] مردم ننگه  
 می‌دارد؛ قطعاً خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند. (مانده، ۶۷)

**توضیح:** بنا بر روایات متواتر شیعه و سنی، این آیه پیش از  
 واقعه‌ی غدیر خم نازل شده است. مضمون آیه گواه بر اهمیت  
 موضوعی است که پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور به ابلاغ آن شده است؛ زیرا  
 کوتاهی در ابلاغ آن را مساوی با بی‌ثمر بودن کل تبلیغ وی  
 می‌داند. می‌دانیم که در سال پایانی حیات رسول اکرم صلی الله علیه و آله،  
 عمده‌ی احکام و معارف دینی - ولو اجمالاً - بیان شده بود و  
 حکمی به این اهمیت وجود نداشت که اصل تبلیغ آن حضرت  
 را به خطر بیندازد. هم‌چنین، از پایان آیه فهمیده می‌شود  
 حکم مزبور، مربوط به مسائل سیاسی و حکومتی است؛ زیرا  
 کافران شدیداً با آن مخالف بودند. با همه‌ی این توضیحات  
 روشن می‌شود موضوعی که در آیه‌ی تبلیغ، پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور به  
 ابلاغ آن شده است، امامت و جانشینی حضرت علی علیه السلام پس از  
 وی می‌باشد.

**حدیث:** امام باقر علیه السلام: «هنگامی که این آیه نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله  
 دست علی بن ابی طالب علیه السلام را بالا برد و فرمود: هر کس که من  
 مولای او هستم، علی علیه السلام نیز مولا و سرپرست اوست.» تفسیر

فهرات: ص ۱۲۴ ح ۱۳۴.

فضایل اهل بیت علیهم السلام

## ۱. آیه مباحله

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ  
تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ  
وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ

## عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٦١﴾

پس هر که با تو درباره ی عیسی پس از آن که بر تو آگاهی آمد، گفتگوی بی منطق کند، بگو: بیایید ما پسرانمان و شما پسرانتان، و ما زنانمان و شما زنانتان، و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیکتان را دعوت کنیم؛ سپس یکدیگر را نفرین نماییم، پس لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم. (آل عمران، ۶۱)

**توضیح:** آیه «مباحله» از مهم ترین ادله ی قرآنی، در خصوص فضیلت و برتری اهل بیت علیهم السلام و سند روشنی بر حقانیت ایشان است که در بسیاری از احتجاجات ائمه علیهم السلام نیز از آن یاد شده است. این آیه، مربوط به ماجرای مسیحیان نجران با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می شود که با یکدیگر قرار گذاشتند تا برای اثبات حقانیت دین خود، یکدیگر را نفرین و از خدا طلب عذاب برای دیگری کنند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همراه علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام برای مباحله حاضر شد، ولی رهبر مسیحیان با مشاهده ی پیامبر صلی الله علیه و آله - که با اطمینان خاطر، عزیزترین کسانش را برای مباحله حاضر کرده است - از مباحله صرف نظر نمود. این آیه بالاترین فضیلت را برای امیر مؤمنان علی علیه السلام اثبات می کند؛ زیرا او را عین نفس پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی کرده است. از این رو، مقام آن حضرت برتر از انبیاء نیز می باشد.

**حدیث:** امام رضا علیه السلام: «این مزیتی است که احدی در آن بر اهل بیت علیهم السلام پیشی نگرفته و فضیلت و شرفی است که هیچ کسی به آن نرسیده و از آن برخوردار نبوده است.» «عیون أخبار الرضا: ج ۱ ص ۲۲۲ ح ۱»

۲. اهل بیت علیهم السلام: نور الهی (آیه نور)

اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكُورٍ فِيهَا  
 مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ  
 يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ  
 يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ  
 يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَلَ لِلنَّاسِ

وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿۳۵﴾

خدا نور آسمان ها و زمین است؛ وصف نورش مانند چراغدانى است که در آن، چراغ پر فروغى است، و آن چراغ در میان قندیل بلورینى است، که آن قندیل بلورین گویى ستاره ی تابانى است، [و آن چراغ] از [روغن] درخت زیتونى پربرکت که نه شرقى است و نه غربى افروخته مى شود، [و] روغن آن [از پاکی و صافى] نزدیک است روشنى بدهد گرچه آتشی به آن نرسیده باشد، نوری است بر فراز نوری؛ خدا هر کس را بخواهد به سوى نور خود هدایت مى کند، و خدا برای مردم مثل ها مى زند [تا حقایق را بفهمند] و خدا به همه چیز داناست. (نور، ۳۵)

**توضیح:** آیه ی «نور» مشتمل بر تمثیلاتی است که با توجه به روایات اهل بیت علیهم السلام مقصود از آن روشن می گردد.

**حدیث:** امام صادق علیه السلام عناصر این آیه را این گونه تبیین نموده است: «مِشْكَاةٌ: يَعْنِي فَاطِمَةَ- مِصْبَاحٌ: يَعْنِي الْحَسَنُ- زُجَاجَةٌ: يَعْنِي الْحُسَيْنُ- كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ: يَعْنِي فَاطِمَةَ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ بَيْنَ نِسَاءِ أَهْلِ الدُّنْيَا- شَجَرَةٌ مُبَارَكَةٌ: يَعْنِي إِبْرَاهِيمَ- لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ: يَعْنِي لَا يَهُودِيَّةٍ وَلَا نَصْرَانِيَّةٍ- يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ: يَعْنِي يَكَادُ الْعِلْمُ يَنْفَجِرُ بِهَا- نُورٌ عَلَى نُورٍ: يَعْنِي إِمَامٌ مِنْهَا بَعْدَ إِمَامٍ- يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ: يَعْنِي يَهْدِي اللَّهُ لِلْأُمَّةِ مَنْ يَشَاءُ» کالی: ج ۱ ص ۱۱۵ ح ۵.

### ۳. ستایش از خدا باوری اهل بیت علیهم السلام

فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيَذَكَرَ فِيهَا أَسْمُهُ  
 يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ﴿٣٦﴾ رِجَالٌ لَا  
 نُلْهِهِمُ تِجَارَةً وَلَا بَيْعًا عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ  
 وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ  
 وَالْأَبْصَارُ ﴿٣٧﴾

[این نور] در خانه‌هایی است که خدا اذن داده [شان و منزلت و قدر و عظمت آنها] رفعت یابند و نامش در آنها ذکر شود، همواره در آن خانه‌ها صبح و شام او را تسبیح می‌گویند. (۳۶) مردانی که تجارت و داد و ستد آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و پرداخت زکات باز نمی‌دارد، [و] پیوسته از روزی که دل‌ها و دیده‌ها در آن زیر و رو می‌شود، می‌ترسند. (۳۷) (نور)

**توضیح:** این آیات، ادامه‌ی آیه‌ی «نور» است. در این آیات، اهل بیت مردانی معرفی شده‌اند که جز به خدا نمی‌اندیشند و خانه‌هایشان محل تسبیح و تقدیس خداست.

**حدیث:** امام باقر علیه السلام - در تفسیر آیه‌ی فوق - : «هِيَ بُيُوتُ الْأَنْبِيَاءِ وَ بَيْتُ عَلِيٍّ مِنْهَا؛ مقصود از این خانه‌ها، خانه‌های انبیاء است و خانه‌ی علی علیه السلام نیز از آن جمله است.»

تفسیر قمی: ج ۲ ص ۱۰۴.

#### ۴. پرسش از نعمت ولایت اهل بیت علیهم السلام در قیامت

### ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ

آن گاه شما در آن روز از نعمت‌ها بازپرسی خواهید شد (تکاثر، ۸)

**توضیح:** ولایت اهل بیت علیهم السلام بزرگ‌ترین نعمت خداوند و مظهر رحمت خاص پروردگار بر مؤمنان است. شواهد نقلی فراوانی بر این مدعا وجود دارد. آیه‌ی فوق بر این حقیقت تأکید دارد که در روز قیامت از انسان‌ها درباره‌ی نعمت‌هایشان سؤال می‌شود. هنگامی که به آیه‌ی ۳ سوره‌ی مائده و شأن نزول آن مراجعه کنیم، خواهیم دانست که در روز غدیر و با نصب امیر مؤمنان علی علیه السلام به امامت خداوند مژده‌ی اتمام نعمتش بر مؤمنان را داده است. بنابراین، والاترین نعمت الهی، ولایت امامان علیهم السلام می‌باشد. امام رضا علیه السلام در حضور جمعی از فقهای اهل تسنن با استدلال به این آیه، امامت خویش را اثبات نمودند.

**حدیث:** امام رضا علیه السلام: «النَّعِيمُ، حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ مَوَالِئِنَا؛

مقصود از «نعیم» محبت ما اهل بیت و دوستی و پیروی از ماست که خداوند پس از توحید و نبوت، بندگان را از آن بازخواست

می‌کند. «عمون اخبار الرضا: ج ۲ ص ۱۲۹ ح ۸»

### ۵. مودت اهل بیت علیهم السلام؛ مزد رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله

ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا  
الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي  
الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ  
غَفُورٌ شَكُورٌ

۲۳

این است چیزی که خدا آن را به بندگانش که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند مژده می دهد. بگو: از شما [در برابر ابلاغ رسالت] هیچ پاداشی جز مودت نزدیکانم را [که بنا بر روایات معتبر اهل بیت علیهم السلام هستند] نمی خواهم. و هر کس کار نیکی کند، بر نیکی اش می افزاییم؛ یقیناً خدا بسیار آمرزنده و سپاسگزار است. (شوری، ۲۳)

**توضیح:** پیشتر گفته شد که پیامبران در ازای هدایت و ارشاد مردم هیچ مزد و پاداشی طلب نمی کردند. خداوند در آیه ی فوق - که به آیه ی «مودت» مشهور است - به رسول خویش فرمان می دهد تا به مردم بگوید: «برای ابلاغ رسالتش هیچ مزد و اجری جز مودت نزدیکانش نمی خواهد.» این درخواست با مطلب گذشته منافات ندارد؛ زیرا مودت نزدیکان پیامبر صلی الله علیه و آله - که همان اهل بیت علیهم السلام هستند - نفعی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نمی رساند؛ بلکه موجب رشد و کمال خود است. مردم به عبارت دیگر، مفاد این آیه عیناً مطابق آیه ی ۵۷ فرقان است که قبلاً در موضوع ۵۴ به آن اشاره شد.

**حدیث:** امام باقر علیه السلام در خصوص معنای این آیه -: «الْإِقْتِرَافُ التَّسْلِيمُ لَنَا وَ الصَّدْقُ عَلَيْنَا وَ لَا يَكْذِبُ عَلَيْنَا؛ مراد از «اقتراف حسنه» (انجام کار نیک)، تسلیم بودن در برابر ما و تصدیق سخنان ما و پرهیز از دروغ گویی علیه ماست» کافی: ج ۱ ص ۳۹۱ ح ۳.

### ۶. انفاق در هنگام سختی (آیه اطعام)

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا  
 كَافُورًا ﴿٥﴾ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا  
 تَفْجِيرًا ﴿٦﴾ يُوفُونَ بِالْغَدْرِ وَغَدْرُوهُمْ يَوْمًا كَانَ شَرْهُهُمُ مُسْتَطِيرًا  
 ﴿٧﴾ وَيُطْعَمُونَ الْأَطْعَامَ عَلَىٰ حَيْهَةِ مَسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا  
 ﴿٨﴾ إِنَّمَا نَطْعِمُكُمْ لِرُؤُوفِهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا  
 ﴿٩﴾ إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَتَطِيرًا ﴿١٠﴾

همانا نیکان همواره از جامی می‌نوشند که نوشیدنی‌اش  
 آمیخته به کافور است. (۵) آن جام از چشمه‌ای است که همواره  
 بندگان خدا از آن می‌نوشند و آن را به دلخواهشان هرگونه که  
 بخواهند جاری می‌نمایند. (۶) همواره نذرشان را وفا می‌کنند،  
 و از روزی که آسیب و گزندش گسترده است می‌ترسند، (۷) و  
 غذا را در عین دوست داشتنش، به مسکین و یتیم و اسیر انفاق  
 می‌کنند. (۸) [و می‌گویند:] ما شما را فقط برای خشنودی خدا  
 اطعام می‌کنیم و انتظار هیچ پاداش و سپاسی را از شما نداریم.  
 (۹) ما از پروردگاران در روزی که روز عبوس و بسیار هولناکی  
 است می‌ترسیم. (۱۰) (انسان)

**توضیح:** این آیات نیز بیان گر قطره‌ای از دریای بیکران فضایل  
 اهل بیت علیهم‌السلام و به ویژه اخلاص، انفاق و خداترسی آنان است.

**حدیث:** امیر مؤمنان علی و حضرت فاطمه به همراه حسن و  
 حسین علیهم‌السلام و خادمه‌ی خود، سه روز پیاپی روزه گرفته و در اوج  
 گرسنگی و تنگدستی هنگام افطار، غذای خویش را در روز اول به  
 فقیر و در روز دوم به یتیم و در روز سوم به اسیر دادند. این امر  
 موجب نزول این آیات گردید. شرح مفصل این واقعه در کتب  
 تفسیری و روایی آمده است. « رک: امالی صدوق: ص ۲۵۷ ح ۱۱»

## ۷. آیه اهل الذکر

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِيَ إِلَيْهِمْ  
فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٤٣﴾

و پیش از تو جز مردانی که به آنان وحی می‌کردیم نفرستادیم. اگر [این حقیقت را] نمی‌دانید [که پیامبران از جنس بشر بودند] از اهل دانش بپرسید. (نحل، ۴۳)

**توضیح:** مقصود از ذکر، حفظ و نگاهداری چیزی در قلب و زبان است. به قرآن کریم و سایر کتب آسمانی «ذکر» گفته می‌شود؛ زیرا حقایق و معارف عمیقی را در خود حفظ کرده‌اند. با این توضیح، مراد از «اهل الذکر» کسانی هستند که در اطلاع از احوالات قرآن و مطالب آن متخصص و خبره هستند؛ زیرا تنها متخصصان هر علم و فنی اهل آن خوانده می‌شوند. پس مصادیق حقیقی اهل الذکر، مفسران واقعی قرآن؛ یعنی اهل بیت علیهم‌السلام هستند؛ اگرچه به تناسب هر پرسشی، ممکن است دیگران نیز مصداق «اهل الذکر» قرار گیرند؛ چنان‌که در آیه‌ی فوق علمای یهود مصداق آن بیان شده‌اند؛ زیرا به خصوصیات پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در تورات علم داشتند. در مجموع باید گفت، آیه‌ی فوق به اصل عقلایی «وجوب مراجعه‌ی جاهل در هر فنی به عالم در آن فن» اشاره می‌کند.

**حدیث:** پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «الذِّكْرُ أَنَا وَ الْأُمَّةُ أَهْلُ الذِّكْرِ ؛ مقصود از «ذکر» من هستم و مقصود از «اهل الذکر» امامان علیهم‌السلام هستند.» کافی: ج ۱ ص ۱۰۲۱.

## ۸. اهل بیت علیهم السلام؛ وسیله‌ی تقرب به خداوند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا  
إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ  
لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

۳۵

ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید و دست‌آویزی [از ایمان، عمل صالح و آبروی مقربان درگاهش] برای تقرب به سوی او بجوید؛ و در راه او جهاد کنید تا بر موانع راه سعادت پیروز شوید (مائده، ۳۵)

**توضیح:** آیه‌ی فوق - که به آیه‌ی «وسيله» یا «توسل» مشهور است - بر این مطلب تأکید می‌کند که برای وصول به رستگاری ابدی و بهره‌مندی از الطاف خاص پروردگار باید از وسایل و ابزار تقرب به وی استفاده کرد. مهم‌ترین وسایل تقرب به خداوند، ایمان به خدا و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، جهاد و عباداتی هم‌چون نماز، زکات، روزه، حج، صلّه رحم و انفاق در راه خدا می‌باشد. توسل به اهل بیت علیهم السلام نیز تأثیر فراوانی در جلب محبت و فضل الهی دارد؛ زیرا آنان واسطه‌ی ارتباط میان مردم و خدا بوده و از مقام و منزلت والایی نزد خدای سبحان برخوردار هستند. با این توضیح، توسل نه تنها شرک نیست؛ بلکه ارتباط با خداوند از راهی است که مورد سفارش قرآن می‌باشد.

**حدیث:** پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «الْأُمَّةُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، مَنْ أَطَاعَهُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَ مَنْ عَصَاهُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، هُمْ الْعُرْوَةُ الْوَثْقَى وَ هُمْ الْوَسِيلَةُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى؛ امامان از ذریه‌ی حسین - که هر کس آنان را اطاعت کند، از خدا اطاعت کرده و هر کس از آنان نافرمانی کند، از خدا نافرمانی کرده است - همان دستگیره‌های محکم [تقوا] و وسیله به سوی تقرب خدا

هستند.» عیون أخبار الرضا: ج ۲ ص ۵۸ ح ۲۱۷.

### ۹. فضیلت حضرت علی علیه السلام (آیه علم الکتاب)

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ  
كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ  
عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ

۴۳

کافران می گویند: تو فرستاده [خدا] نیستی. بگو: کافی است که خدا [با آیات حکیمانه قرآنش] و کسی [چون امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام] که دانش کتاب نزد اوست، میان من و شما [نسبت به پیامبری ام] گواه باشند. (رعد، ۴۳)

**توضیح:** در این آیه، دو شاهد بر حقانیت نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ذکر می شود: ۱- خداوند و آیات قرآن که معجزه‌ی آن حضرت می باشد. ۲- فردی که دانش کتاب در اختیار او باشد. این فرد در روایات، امیر مؤمنان علی علیه السلام معرفی شده است. شگفت آن که، در آیه ی ۴۰ سوره ی نمل، حکایت اعجاب انگیزی از یکی از یاران سلیمان ذکر شده است که تخت ملکه ی سبا را در چشم به هم زدنی نزد سلیمان آورد. قرآن از آن فرد به عنوان «الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ» کسی که بخشی از علم کتاب در اختیارش بود» یاد می کند. از این مطلب، عظمت و گستردگی دانش امیر مؤمنان علیه السلام فهمیده می شود که تمام علم کتاب را در اختیار دارد.

**حدیث:** امام باقر علیه السلام - در تبیین مراد از «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»: «إِيَّانَا عَنِّي وَ عَلِيٍّ أَوْلَانَا وَ أَفْضَلُنَا وَ خَيْرُنَا بَعْدَ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله؛ مقصود، ما [اهل بیت علیهم السلام] هستیم و علی بن ابی طالب علیه السلام اولین و برترین ما پس از رسول خداست.» کافی: ج ۱ ص ۲۲۹ ح ۶.

### ۱۰. فضیلت حضرت علی علیه السلام (آیه نجوا)

ءَأَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيَّ بِحُجُوبِكُمْ صَدَقْتُمْ فَاذَّ لَمْ  
تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ  
وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَاللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٣﴾

آیا ترسیدید پیش از گفتگوی محرمانه‌ی خود صدقاتی بپردازید؟ اکنون که نپرداختید خدا توبه‌ی شما را پذیرفت، پس نماز را برپا دارید و زکات بدهید و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید، و خدا به اعمالی که انجام می‌دهید آگاه است. (۱۳، مجادله)

**توضیح:** گروهی از توانگران در بیشتر اوقات مزاحم پیامبر صلی الله علیه و آله شده و با او نجوا می‌کردند. این کار موجب اندوه دیگران و تضييع وقت گران بهای پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گردید. خداوند برای امتحان آنان حکم کرد که از این پس، افراد دارای تمکن مالی اگر می‌خواهند با پیامبر صلی الله علیه و آله به طور خصوصی سخن بگویند، باید پیش از آن صدقه‌ای در راه خدا بدهند. این آزمون الهی سبب گشت تا همه‌ی آنان از نجوا با رسول خدا صلی الله علیه و آله پرهیز کنند. تنها کسی که - به نقل روایات شیعه و سنی - هم چنان با آن حضرت مراوده داشت و پیش از دیدار با آن حضرت صدقه می‌پرداخت، حضرت علی علیه السلام بود. خداوند نیز با مشاهده‌ی دنیا دوستی بیش از حد اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و با نمایان شدن یار باوفای آن حضرت، این حکم را نسخ کرد.

**حدیث:** امام علی علیه السلام: «إِنَّ فِي كِتَابِ اللَّهِ لآيَةً مَا عَمَلَ بِهَا أَحَدٌ قَبْلِي وَ لَا يَعْمَلُ بِهَا أَحَدٌ بَعْدِي وَ هِيَ آيَةُ النَّجْوَى؛ آیه‌ای در قرآن است که احدی قبل از من و بعد از من به آن عمل نکرده و نخواهد کرد و آن، آیه‌ی نجواست.» تفسیر قمی: ج ۲ ص ۲۵۷.

۱۱. فضیلت حضرت علی علیه السلام (انفاق)

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ  
سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ  
وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٧٤﴾

کسانی که [چون علی بن ابی طالب علیه السلام] اموالشان را در شب و روز و پنهان و آشکار انفاق می کنند، برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی شایسته است؛ و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند.  
(بقره، ۲۷۴)

**توضیح:** فضایل امیرمؤمنان علی علیه السلام در قرآن فراتر از آن است که بتوان شرح داد. آن حضرت داراری برترین خصلت ها بود و مصداق بارز هر صفت نیکی است که در قرآن ذکر شده است. یکی از این فضایل، انفاق و صدقه دادن به مستمندان است. آیه ی فوق در شأن ایشان نازل شد و از او به جهت انفاق در همه ی احوال (آشکار و نهان، هنگام توانگری یا فقر و ...) ستایش می کند. بنا بر روایات، حضرت فقط چهار درهم داشت که یکی را در شب و یکی را در روز و یکی را پنهانی و آخری را آشکارا صدقه داد. البته وعده ی این آیه، شامل همه ی کسانی می شود که این گونه عمل کنند، ولی مصداق بارز و اولیه ی آن، حضرت علی علیه السلام می باشد.

**حدیث:** ابن عباس (از اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله): «نَزَلَتْ ﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً﴾ فِي عَلِيٍّ؛ آیه ی فوق درباره ی علی علیه السلام نازل شد.» عیون أخبار الرضا: ج ۲ ص ۶۷ ح ۲۵۵.

## ۱۲. فضیلت حضرت علی علیه السلام (لیلة المبيت)

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ

مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ ﴿٢٠٧﴾

و از مردم کسی [مانند علی بن ابیطالب علیه السلام] است که جانش را برای خشنودی خدا می فروشد و خدا به بندگان مهربان است (بقره، ۲۰۷)

**توضیح:** در بسیاری از روایات شیعه و سنی نقل شده است که این آیه، در شأن امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده که در «لیلة المبيت» در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله خوابید تا جان آن حضرت حفظ شود. «لیلة المبيت» شبی است که مشرکان قصد جان پیامبر صلی الله علیه و آله را کرده بودند، ولی خداوند رسولش را از توطئه ی آنان آگاه ساخت و آن حضرت تصمیم به خروج از مکه و هجرت به مدینه گرفت. در آن شب، پیامبر صلی الله علیه و آله برای این که مشرکان از هجرتش آگاه نگردند، از پسرعمویش؛ حضرت علی علیه السلام؛ خواست تا در بستر وی بخوابد. آن حضرت فداکارانه این پیشنهاد را پذیرفت و این چنین جان خویش را برای حفظ جان پیامبر صلی الله علیه و آله و جلب رضایت پروردگار در معرض خطر قرار داد. ابن ابی الحدید گوید: «این موضوع در حدی از تواتر است که جز کافریا دیوانه آن را انکار نمی کند.»

**حدیث:** امام سجاد علیه السلام: «أَوْلَ مَنْ شَرَى نَفْسَهُ لِلَّهِ عَلِيُّ بْنُ

أَبِي طَالِبٍ؛ برترین کسی که جانش را در راه خدا فروخت،

علی بن ابی طالب بود.» مناقب ابن شهر آشوب: ج ۲ ص ۶۴.

### ۱۳. فضیلت حضرت علی علیه السلام (دابة الأرض)

وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ  
 تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ ﴿٨٢﴾  
 وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا  
 فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿٨٣﴾

هنگامی که [در اوقات پایانی دنیا] وعده‌ی عذاب ما بر آنان لازم شود، جنبنده‌ای را از زمین برای آنان بیرون می‌آوریم که با آنان سخن می‌گوید که مردم پیش از این به آیات ما یقین نداشتند. (۸۲) [یاد کن] روزی که از هر امتی گروهی از آنان را که آیات ما را تکذیب می‌کنند، محشور می‌کنیم و آنان را [از حرکت] باز می‌دارند [تا گروه‌های دیگر به آنان ملحق شوند،] (۸۳) (نمل)

**توضیح:** رجعت یکی از مسلمات مذهب شیعه و اعتقاد به آن از ضروریات این مذهب به شمار می‌رود. رجعت به این معناست که خداوند در آستانه‌ی رستاخیز گروهی از مؤمنان خالص و مستکبران بسیار شرور را به این جهان بازمی‌گرداند تا دولت صالحان تشکیل گردد و از ظالمان در همین دنیا انتقام گرفته شود. آیه‌ی ۸۳ یکی از دلایل قرآنی رجعت می‌باشد؛ زیرا در این آیه، خداوند از حشر و بازگرداندن گروهی از مردم خبر می‌دهد؛ نه همه‌ی آن‌ها. یکی از امامانی که در رجعت بازمی‌گردد، حضرت علی علیه السلام است که در آیه‌ی ۸۲ از او به عنوان «دابة الأرض» یاد شده است.

**حدیث:** امام علی علیه السلام: «أَنَا قَسِيمُ اللَّهِ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ ... وَالدَّابَّةُ الَّتِي تُكَلِّمُ النَّاسَ؛ مَنْ تَقْسِمُ كُنْنَدَهُ يَ بَهْشْت وَ دُوزخ ... وَ جَنْبِنْدَه‌ی بَر رُوی زَمِین هَسْتَم کَه بَا مَرْدَم سَخْن می‌گوید.

[اشاره به آیه‌ی فوق] کافی: ج ۱ ص ۲۹۸ ح ۳.

۱۴. فضیلت حضرت زهرا علیها السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ ۝۱ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ

۝۲ إِيَّاكَ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ۝۳

به نام خداوند بخشنده ی مهربان \* بی تردید ما به تو خیر فراوان [که برکت در نسل است و از فاطمه ریشه می گیرد] عطا کردیم. (۱) پس [به شکرانه ی آن] برای پروردگارت نماز بخوان و شتر قربانی کن. (۲) یقیناً دشمن تو خود بدون نسل [و بریده از همه ی خیرات و برکات] است. (۳) (کوثر)

**توضیح:** افزون بر آیاتی که به طور مشترک بر فضیلت اهل بیت یا فضیلت پنج تن آل عبا علیهم السلام دلالت می کرد، آیاتی نیز به طور اختصاصی بر فضل و مقام معنوی حضرت زهرا علیها السلام دلالت می کند. در این میان، سوره ی کوثر جایگاه ویژه ای دارد. دشمنان از این که پیامبر صلی الله علیه و آله فرزند پسری نداشت، بسیار خشنود بوده و بر آن حضرت خرده می گرفتند. از این رو، خداوند وجود پربرکت حضرت فاطمه علیها السلام را به وی ارزانی داشت و نسل او را پایدارترین نسل تاریخ نمود. در این سوره از آن حضرت به عنوان «الْكَوْثَرُ: خیر کثیر» یاد شده است.

**حدیث:** پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي مَنِ سَرَّهَا فَقَدْ سَرَّنِي وَ مَنْ سَاءَهَا فَقَدْ سَاءَنِي فَاطِمَةُ أَعَزُّ الْبَرِيَّةِ عَلَيَّ؛ فاطمه علیها السلام پاره ی تن من است. هر که او را خشنود سازد، مرا خشنود ساخته و هر که او را بیازارد، مرا آزرده است. فاطمه علیها السلام عزیزترین مردم نزد من است.» امالی مفید: ص ۲۶۰ ج ۲.

۱۵. فضیلت امام حسین علیه السلام

يَأْتِيهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٢٧﴾ أَرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً

مَرْضِيَّةً ﴿٢٨﴾ فَأَدْخُلِي فِي عَبْدِي ﴿٢٩﴾ وَأَدْخُلِي جَنَّتِي ﴿٣٠﴾

ای جان آرام گرفته و اطمینان یافته! (۲۷) به سوی پروردگارت در حالی که از او خشنودی و او هم از تو خشنود است باز گرد. (۲۸) پس در میان بندگانم درآی (۲۹) و در بهشتم وارد شو. (۳۰) (فجر)

**توضیح:** افزون بر آیاتی که به طور مشترک بر فضیلت اهل بیت یا فضیلت پنج تن آل عبا علیهم السلام دلالت می‌کند، آیاتی نیز به طور اختصاصی بر فضل و مقام معنوی امام حسین علیه السلام دلالت می‌کند. اسراء، ۳۳ / مریم، ۸ / حج، ۶۰ / احقاف، ۱۵ و ده‌ها آیه‌ی دیگر از این جمله است. در این میان، سوره‌ی فجر به عنوان سوره‌ی اختصاصی آن حضرت نامیده شده است و مراد از «نفس مطمئنه» در آیات پایانی آن سیدالشهداء علیه السلام دانسته شده است. گفتنی است مقصود از «نفس مطمئنه» نفسی است که از بند تعلقات دنیوی رهیده باشد و با یاد پروردگار و تسلیم محض در برابر او قرار گرفته باشد. خداوند هنگام قبض روح چنین نفسی به استقبال وی رفته و با خطابی مملو از تکریم و احترام، به او بشارت ورود به بهشت مخصوص خود را می‌دهد.

**حدیث:** امام صادق علیه السلام: «مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ اسْتِئْذَانِ رُوحِهِ وَ اللَّحُوقِ بِالْمُنَادِي.»؛ [هنگام قبض روح] هیچ چیز برای مؤمن محبوب‌تر از آن نیست که روحش از بدن جدا گشته و به منادی بپیوندد. (مقصود از منادی، خدا می‌باشد که ندای «یا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ...» را سر داده است.) . کافی: ج ۳ ص ۱۲۷ ح ۲.

## امام زمان علیه السلام

### ۱. وراثت صالحان در زمین

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ

الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ﴿١٠٥﴾

و همانا ما پس از تورات در زبور نوشتیم که زمین را بندگان شایسته‌ی ما به میراث می‌برند. (انبیاء، ۱۰۵)

**توضیح:** اعتقاد به حکومت صالحان در آخرالزمان، مورد اتفاق همه‌ی ادیان آسمانی می‌باشد. این اعتقاد که - با سیر تکاملی خلقت نیز سازگاری دارد- در دین اسلام با ظهور منجی و در مذهب شیعه با ظهور حضرت مهدی علیه السلام تحقق می‌یابد. همه‌ی پیامبران و اولیای خدا نوید ظهور آن حضرت را به صالحان داده‌اند. بنا بر آیه‌ی فوق، خداوند در تورات و نیز کتاب زبور - کتاب آسمانی حضرت داوود- به مؤمنان مژده داده است که صالحان وارثان زمین خواهند بود؛ یعنی آنان حکومت را از دیگران به ارث برده و صاحب شوکت و جاه می‌گردند. این مطلب هنوز نیز در مزامیر داوود در عهد قدیم از کتاب مقدس مشهود است. مقصود از صالحان در روایات شیعه، حضرت مهدی علیه السلام و اصحاب او دانسته شده است.

**حدیث:** پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأَهَا عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا؛ اگر از عمر جهان جز یک روز نماند، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می‌کند تا مرد صالحی را از خاندان من برانگیزد که صفحه زمین را پراز عدل و داد کند همانگونه که از ظلم و جور پر شده است» الغیبة (طوسی): ص ۱۸۰.

## ۲. وعده‌ی حکومت مؤمنان در آخرالزمان

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ  
 لِيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ  
 مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ  
 لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا  
 يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ  
 هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٥٥﴾

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین کند، همان گونه که پیشینیان آنان را جانشین کرد، و قطعاً دینشان را که برای آنان پسندیده به سودشان استوار نماید، و یقیناً بیمشان را تبدیل به امنیت کند، [تا] فقط مرا بپرستند [و] هیچ چیزی را شریک من نگیرند. و آنان که پس از این نعمت‌های ویژه ناسپاسی ورزند، بدکار و نافرمان‌اند. (نور، ۵۵)

**توضیح:** آیات فراوانی از قرآن به تشکیل حکومت جهانی دینی در آخرالزمان اشاره می‌کند. (توبه، ۳۳ / فتح، ۲۸ / صف، ۹ / طه، ۱۳۲ / اعراف، ۱۲۸ و بسیاری از آیات دیگر) یکی از این آیات، همین آیه است که به روشنی از وعده‌ی نیکوی پروردگار در این زمینه خبر می‌دهد.

**حدیث:** امام سجاد (علیه السلام): «هُم وَ اللَّهُ شِيعَتُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يَفْعَلُ اللَّهُ ذَلِكَ بِهِمْ عَلَى يَدَي رَجُلٍ مِنَّا وَ هُوَ مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ؛ مقصود از این آیه، شیعیان ما هستند که خداوند این وعده را درباره‌ی آنان به دست مردی از خاندان ما عملی خواهد کرد. او مهدی این امت است.» مجمع البیان: ج ۷ ص ۲۳۹.

### ۳. حکومت جهانی مستضعفان

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا  
فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً  
وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴿٥﴾

ما می خواستیم به آنان که در آن سرزمین به ناتوانی و زبونی گرفته شده بودند، نعمت های با ارزش دهیم، و آنان را پیشوایان مردم و وارثان [اموال، ثروت ها و سرزمین های فرعونیان] گردانیم. (قصص، ۵)

**توضیح:** قرآن در موارد متعددی از مؤمنان به مستضعفان در زمین تعبیر کرده است. این تعبیر ممکن است بدان جهت باشد که اغلب مؤمنان از طبقه ی مستضعف و ضعیف جامعه هستند، ولی بهتر است مستضعفین را به معنای مظلومان و محرومان از قدرت بدانیم. به هر حال، خداوند در این آیه نیز از برتری مؤمنان و عاقبت نیکوی آنان در مقابل مستکبران خبر داده است و این امر را سنت حتمی خود قلمداد کرده است. اگرچه این آیه مربوط به بنی اسرائیل و نجات آنان از چنگال ظلم و ستم فرعون است، ولی در روایات تحقق کامل این سنت پروردگار، در دوران ظهور حضرت مهدی عج تطبیق داده شده است.

**حدیث:** امام علی ع: «لَتُعْطَفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلَى وَلَدِهَا وَ تَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ...»؛ به خدا سوگند! دنیا پس از سرکشی به ما روی می کند؛ چونان شتر ماده ی بدخو که با بچه ی خود مهربان شود. سپس حضرت این آیه را تلاوت کردند.» نهج البلاغه: حکمت ۲۰۹.

#### ۴. امام زمان علیه السلام: ذخیره‌ی الهی

بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ  
وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ

۸۶

آنچه خدا [در کسب و کارتان از سود و بهره پس از پرداخت حق مردم] باقی می‌گذارد، برای شما بهتر است اگر مؤمن باشید، و من بر شما نگهبان نیستم. (هود، ۸۶)

**توضیح:** یکی از القاب مشهور حضرت مهدی علیه السلام «بقیة الله» است. این لقب برگرفته از این آیه‌ی کریمه است. این آیه به تذکر و انذار حضرت شعیب علیه السلام به گرانفروشان امتش اشاره می‌کند و مقصود از «بقیة الله» در این آیه، درآمد و سودی است که از یک سرمایه‌ی حلال و خدایسندانه برای انسان باقی می‌ماند. این واژه در روایات متعددی بر وجود مبارک حضرت مهدی علیه السلام تطبیق شده است که ذخیره و باقی نگاه‌داشته‌ی خداوند برای هدایت بشریت است.

**حدیث:** امام باقر علیه السلام: نخستین سخنی که مهدی پس از قیام خود می‌گوید، این آیه است. سپس می‌گوید: منم بقیة الله و حجت و خلیفه او در میان شما، سپس هیچ‌کس بر او سلام نمی‌کند؛ مگر این که می‌گوید: «السلام عليك يا بقية الله في أرضه» کمال الدین: ج ۱ ص ۳۳۱ ح ۱۶.

## تولی و تبری

### الف- ولایت خداوند بر مؤمنان

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ  
إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَائُهُمُ الطَّاغُوتُ  
يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ  
أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۲۵۷﴾

خدا سرپرست و یار کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ آنان را از تاریکی‌ها به سوی نور [ایمان، اخلاق حسنه و تقوا] بیرون می‌برد. و کسانی که کافر شدند، سرپرستان آنان طغیان‌گرانند که آنان را از نور به سوی تاریکی‌ها بیرون می‌برند؛ آنان اهل آتش‌اند و قطعاً در آنجا جاودانه‌اند. (بقره، ۲۵۷)

**توضیح:** اساس دین مقدس اسلام و محور ایمان به خدا، پذیرفتن ولایت خدا و دوستانش و اظهار بغض و بیزاری نسبت به دشمنان اوست. این مطلب - که از آن در فروع دین به «تولی» و «تبری» یاد می‌شود - حقیقتی است که در آیات و روایات فراوانی به آن اشاره شده است. روشن است که محبت و عشق به اولیای الهی از آن جهت رکن مذهب شیعه و ستون خیمه‌ی اسلام است که در سایه‌ی آن، زمینه‌ی همراهی با آنان در عمل را نیز فراهم می‌آورد.

**حدیث:** امام صادق علیه السلام: «مقصود از این آیه، آن است که خداوند کسانی را که امام عادل را برای سرپرستی‌شان برگزیده‌اند، از تاریکی گناهان به نور توبه و مغفرت خویش رهنمون می‌شود و کسانی که اعمال صالح انجام می‌دهند و لی امام ستمگر را دوست دارند، به تاریکی‌های کفر می‌کشاند.» کافی: ج ۱ ص ۳۲۶ ح ۳.

## ب- ولایت پیامبر ﷺ بر مؤمنان

النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ... ﴿٦﴾

پیامبر، نسبت به مؤمنان از خودشان اولی و سزاوارتر است...  
(احزاب، ۶)

**توضیح:** همان گونه که گذشت تولی دارای مراتب طولی متعددی است؛ یعنی از ولایت و دوستی خداوند آغاز و به ولایت پیامبر، امامان و اولیای الهی ختم می‌گردد. خداوند وجود مقدس پیامبر اسلام ﷺ را الگوی مؤمنان معرفی کرده و تأکید نموده که وی هیچ‌گاه اسیر هوا و هوس نمی‌گردد. از این رو، پذیرش ولایت پیامبر ﷺ در طول اطاعت از خدا و ولایت‌پذیری از پروردگار است. آیه‌ی فوق بر این حقیقت گواهی می‌دهد که خواست و اراده‌ی وجود مبارک پیامبر اسلام ﷺ در همه‌ی موضوعات فردی و اجتماعی بر خواست مؤمنان اولویت دارد. بی‌گمان پذیرش چنین ولایتی به معنای ترجیح منافع شخصی فردی بر دیگران نیست؛ بلکه از آن جهت است که پیامبر اعظم ﷺ دارای مقام عصمت بوده و جز به مصلحت مؤمنان نمی‌اندیشد. مصادیق بارز ولایت‌پذیری از پیامبر پذیرش حکومت دینی، مرجعیت علمی و اطاعت در احکام قضایی و ... می‌باشد.

**حدیث:** امام باقر علیه السلام: «این آیه درباره‌ی حکومت و سرپرستی مسلمانان نازل شده و بعد از پیامبر ﷺ در فرزندان وی جاری است. پس ما از مهاجران و انصار برای این کار سزاوارتریم.» کافی: ج ۱ ص ۲۸۸ ح ۲.

### ج- ولایت اهل بیت علیهم السلام بر مؤمنان

إِنَّهَا وَلِيُّكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ  
يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ  
وَهُمْ رَاكِعُونَ ﴿٥٥﴾

سرپرست و دوست شما فقط خدا و رسول اوست و مؤمنانی [مانند علی بن ابی طالب اند] که همواره نماز را برپا می دارند و در حالی که در رکوعند [به تهیدستان] زکات می دهند. (مائده، ۵۵)

**توضیح:** پیش از این در خصوص آیه ی فوق و شأن نزول آن سخن گفته شد. این آیه از ولایت اهل بیت علیهم السلام بر مؤمنان خبر می دهد. از تعبیر آیه به خوبی فهمیده می شود که ولایت اهل بیت در راستای ولایت پیامبر صلی الله علیه و آله بر اساس مشیت خداوند است. در متون حدیثی، آثار و نتایج گوناگونی نظیر سعادت و خیر دنیا و آخرت برای محبت و ولایت پذیری نسبت به ائمه علیهم السلام آمده است.

**حدیث:** امام باقر علیه السلام: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ وَ الْوَلَايَةِ وَ لَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ؛ اسلام بر پنج رکن استوار شده است: نماز و زکات و روزه و حج و ولایت. و به هیچ یک به اندازه ی ولایت سفارش نشده است.» (کافی: ج ۲ ص ۱۸ ح ۱)

### د- بیزاری از دشمنان پیامبر و اهل بیت علیهم السلام (تبری)

إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي  
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا ﴿٥٧﴾

قطعاً آنان که خدا و پیامبرش را می‌آزارند، خدا در دنیا و آخرت لعنتشان می‌کند، و برای آنان عذابی خوارکننده آماده کرده است. (احزاب، ۵۷)

**توضیح:** تبری به معنای اظهار بیزاری از دشمنان خدا و برائت از پیشوایان و پیروان کفر است. روشن است که لازمه‌ی محبت تمام عیار و صادقانه به یک شخص، مخالفت و بیزاری با دشمنان اوست. صلح و دوستی با دشمنان خدا و حتی دلسوزی نسبت به آنان، با ایمان به خدا و دوستی اولیای الهی جمع نمی‌شود. خداوند کریم خود در قرآن بارها کافران را مورد لعنت قرار داده و آن را خارج از دایره‌ی انسانیت دانسته است. در آیه‌ی ۴ سوره‌ی ممتحنه خداوند اظهار برائت حضرت ابراهیم علیه السلام و پیروانش از کفار را الگوی نیکی برای مؤمنان دانسته و آنان را از هرگونه دوستی و ارتباط نزدیک با کفار بر حذر داشته و عاملان این کار را ستم‌کاران حقیقی به خود، خدا و جامعه‌ی مسلمین خوانده است.

**حدیث:** پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «اگر کسی خدا را در میان صفا و مروه هزار سال، و سپس هزار سال، و از آن پس هزار سال، عبادت کند، تا هم چون مشک کهنه شود، اما محبت ما را نداشته باشد، خداوند او را به صورت در آتش می‌افکند.» مجمع البیان: ج ۹ ص ۴۳.

## فصل پنجم معاد

شامل گفتارهای:

- مرگ و قبض روح
- برزخ
- ادله‌ی وقوع معاد
- معاد جسمانی
- اوصاف و اسامی روز قیامت
- حسابرسی اعمال
- شفاعت
- بهشت و برخی نعمت‌های آن
- دوزخ و برخی عذاب‌های آن

## مرگ و قبض روح

### حتمی بودن مرگ برای همگان

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ  
أَجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ  
النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ

الدُّنْيَا إِلَّا مَتَعُ الْفُرُورِ ﴿١٨٥﴾

هر کسی مرگ را می‌چشد؛ و بدون تردید روز قیامت پاداش هایتان به طور کامل به شما داده می‌شود. پس هر که را از آتش دور دارند و به بهشت درآورند مسلماً کامیاب شده است؛ و زندگی این دنیا جز کالای فریبنده نیست. (آل عمران، ۱۸۵)

**توضیح:** پیش از ورود به بحث معاد و جهان آخرت، از مرگ و ویژگی‌های آن سخن می‌گوییم. در منطق دینی مرگ به معنای نیستی و نابودی نیست؛ بلکه انتقال از جهانی به جهان دیگر است. مرگ دریچه‌ی ورود به جهان برزخ و مقدمه‌ی پاداش و عذاب اخروی است؛ اگرچه سزای کامل اعمال در روز قیامت خواهد بود. آیه‌ی فوق -ضمن بیان این مطلب- از همگانی بودن مرگ و حتمی بودن آن سخن می‌گوید. مضمون این آیه در قرآن بارها تکرار شده است. تعبیر چشیدن مرگ، به معنای درک کامل آن است.

**حدیث:** امام علی علیه السلام: «الْمَوْتُ أَلْزَمُ لَكُمْ مِنْ ظِلِّكُمْ، وَ أَمَلُكُمْ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؛ مرگ از سایه تان به شما چسبیده تر است و بیشتر از خودتان اختیاردار شماست.» غررالحکم: ج ۲ ص ۹۱ ح ۱۹۶۱.

## سختی جان کندن کافران

كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ ﴿٢٦﴾ وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ ﴿٢٧﴾ وَظَنَّ أَنَّهُ

الْفِرَاقُ ﴿٢٨﴾ وَالنَّفْعَ السَّاقِ بِالسَّاقِ ﴿٢٩﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ

يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ ﴿٣٠﴾

این چنین نیست [که می‌پندارد]، هنگامی که جان به گلوگاه رسد، (۲۶) و [کسان بیمار] گویند: درمان کننده‌ی این بیمار کیست؟ (۲۷) و [بیمار] یقین می‌کند [که با رسیدن جان به گلوگاه] زمان جدایی [از دنیا و ثروت و زن و فرزند] فرا رسیده است! (۲۸) و [از سختی جان کندن] ساق به ساق به هم می‌پیچد: (۲۹) آن روز، روز سوق و مسیر به سوی پروردگار توست. (۳۰) (قیامت)

**توضیح:** همان‌گونه که گفته شد، مرگ آغاز مشاهده‌ی سزای اعمال است. از این رو، مرگ کافران و فاجران با مؤمنان تفاوت دارد. گروه اول با مشاهده‌ی فرشته‌ی مرگ، به وحشت فرو می‌روند که اکنون زمان جدایی از دلبستگی‌هایشان فرا رسیده است. فرشتگان قبض روح با اهانت و تحقیر بر صورتشان سیلی می‌زنند که جان‌های خویش را بیرون آورده و خود را برای عذابی خوارکننده آماده سازید. (انعام، ۹۳) این آیات نیز از سختی جان کندن آنان و ناکارآمدی قدرت‌های پوچ خیالی در آن لحظه حکایت می‌کند.

**حدیث:** امام سجاد علیه السلام: «وَاللَّهِ إِنَّ الْقَبْرَ لَرَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ أَوْ حُفْرَةٌ مِنْ حُفْرِ النَّارِ؛ به خدا سوگند! قبر یا باغی از باغ‌های بهشت است و یا چاهی از چاه‌های سوزان دوزخ.» خصال: ج ۱ ص ۱۲۰ ح ۱۰۸.

## آرامش مؤمنان هنگام مرگ

الَّذِينَ نُوَفِّهِمُ الْمَلَائِكَةَ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ  
عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۳۲﴾

آنان در حالی که [از آلودگی‌های عملی و اخلاقی] پاک و پاکیزه‌اند، فرشتگان جانشان را می‌گیرند، به آنان می‌گویند: سلام بر شما، [اکنون] به پاداش آنچه همواره انجام می‌دادید، به بهشت درآیید. (نحل، ۳۲)

**توضیح:** مرگ در نظر کافر، خروج از باغ پر نعمت و زیبا به زندان سخت و تاریک است، ولی در نظر مؤمن ورود به بهشت پر از نعمت و خارج شدن از زندان تنگ دنیاست. مؤمنان با مشاهده‌ی فرشته‌ی مرگ شادمان و مسرور شده و از رسیدن لحظه‌ی موعود ملاقات وعده‌ی پروردگار در اشتیاقی وصف‌ناشدنی فرور می‌روند. فرشتگان الهی به آنان بشارت می‌دهند که سلام و امنیت بر شما باد؛ جانهایشان را با احترام و تکریم قبض روح کرده و موهبت‌های بی‌نظیر خداوندی را نثارشان می‌کنند. گفتنی است مرگ برای مؤمنان گناه‌کار نیز دارای سختی و شدت می‌باشد که این به جهت تطهیر آنان از آلودگی‌ها و ورود به عالم دیگر است.

**حدیث:** پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «إِنَّ مَلَكَ الْمَوْتِ لَيَقِفُ مِنَ الْمُؤْمِنِ عِنْدَ مَوْتِهِ مَوْقِفَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ مِنَ الْمَوْلَى؛ هنگام جان دادن مؤمن، فرشته‌ی مرگ در برابر او چون بنده‌ی ذلیل در برابر مولایش است.» من لا يحضره الفقيه: ج ۱ ص ۱۳۵ ح ۳۶۵.

## برزخ

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ ﴿٩٩﴾  
 لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ  
 قَائِلُهَا وَمِن وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿١٠٠﴾

[دشمنان حق از دشمنی خود باز نمی‌ایستند] تا زمانی که یکی از آنان را مرگ در رسد، می‌گوید: ای پروردگار من مرا [برای جبران گناهان و تقصیرهایی که از من سر زده به دنیا] بازگردان؛ (۹۹) امید است در [برابر] آنچه [از عمر، مال و ثروت در دنیا] وا گذاشته‌ام کار شایسته‌ای انجام دهم. [به او می‌گویند:] چنین نیست [که می‌گویی] بدون تردید این سخنی بی‌فایده است که او گوینده آن است، و پیش رویشان برزخی است تا روزی که برانگیخته می‌شوند. (۱۰۰) (مؤمنون)

**توضیح:** پس از مرگ انسان وارد عالم برزخ می‌گردد. کافران در برزخ عذاب شده و منتظر مجازات سخت قیامت هستند و مؤمنان پاداش و رحمت خداوندی را مشاهده می‌کنند. شواهد نقلی فراوانی در قرآن و روایات بر وجود عالم برزخ وجود دارد. در قرآن - علاوه بر آیه‌ی فوق - می‌توان به آیات ۱۶۹ آل عمران، ۴۶ غافر، ۲۶ یس و ... اشاره کرد. دلالت آیه‌ی فوق بر عالم برزخ روشن است؛ زیرا در رد خواسته‌ی بازگشت کافران، آنان را این چنین توصیف می‌کند که تا روز قیامت در برزخ به سر می‌برند.

**حدیث:** امام صادق علیه السلام: «وَاللَّهِ أَتَخَوَّفُ عَلَيْكُمْ فِي الْبَرْزَخِ وَ هُوَ الْقَبْرُ مِنْذُ حِينَ مَوْتِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ به خدا سوگند! از برزخ بر شما می‌ترسم و برزخ از زمان قبر هنگام مرگ تا روز قیامت است.» کافی: ج ۳ ص ۲۴۲ ح ۳.

**(ب) ادله‌ی وقوع معاد****معاد؛ لازمه‌ی حکمت خدا**

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا  
لَا تُرْجَعُونَ ﴿١١٥﴾

آیا گمان کردید ما شما را بیهوده آفریدیم و شما به سوی ما باز گردانده نمی شوید؟ (مؤمنون، ۱۱۵)

**توضیح:** اعتقاد به معاد و جهان آخرت مورد اتفاق همه‌ی ادیان است و به نوعی می‌توان آن را مقبول‌ترین اعتقاد دینی جهان - حتی بالاتر از توحید - دانست. دلایل عقلی و نقلی فراوانی بر تحقق معاد و زندگی پس از مرگ وجود دارد. حدود ۱۲۰۰ آیه درباره‌ی معاد در قرآن وجود دارد که قریب به یک پنجم کل قرآن را تشکیل می‌دهد. این حکایت از اهمیت توجه به معاد در تربیت و دینداری مردم دارد. دلایل عقلی برای معاد بسیار است. مهم‌ترین دلیل عقلی در این زمینه، بر حکمت و عدالت خداوند استوار گردیده است؛ چراکه حکمت خداوند اقتضا می‌کند تا خلقت انسان هدف داشته باشد. هدف از خلقت انسان نیز تنها با تکلیف بندگان و وقوع معاد و رسیدن به کمال معنوی محقق می‌گردد. تصور دنیایی بدون اعتقاد به معاد همگان را به پوچی و بیهودگی در زندگی می‌کشد.

**حدیث:** امام سجاد علیه السلام: «فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَ تَفَكَّرُوا وَ اَعْمَلُوا لِمَا خُلِقْتُمْ لَهُ فَإِنَّ اللَّهَ لَمْ يَخْلُقْكُمْ عَبَثًا وَ لَمْ يَتْرُكْكُمْ سُدىً؛ ای بندگان خدا! تقوا پیشه کرده و در هدف از خلقت خود بیندیشید. خداوند شما را بیهوده نیافریده و برای هیچ رها نکرده

است. « تحف العقول: ص ۲۲۴.

## معاد؛ لازمه‌ی عدالت خدا

﴿۳۵﴾ أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ

﴿۳۶﴾ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ

آیا ما تسلیم شدگان [به فرمان‌ها و احکام خود] را چون مجرمان قرار می‌دهیم؟ (۳۵) شما را چه شده، چگونه حکم می‌کنید؟ (۳۶) (قلم)

**توضیح:** خداوند کریم با تعبیر گوناگون، پرمحتوا و تأثیرگذار بندگان را از روز قیامت و حسابرسی جهان آخرت بیم داده است؛ زیرا مهم‌ترین عامل بازدارنده‌ی بندگان از گناه، یاد مرگ و حسابرسی قیامت است. این آیه نیز به دلیل دیگری برای لزوم معاد اشاره می‌کند که بدون در نظر گرفتن معاد و ثواب و عقاب آن، عدالت خداوند نیز به کلی زیر سؤال خواهد رفت؛ زیرا در این صورت میان مؤمن و کافر تفاوتی نگذاشته است. توضیح مطلب آن‌که، اگر اعتقاد به معاد را از صحنه‌ی زندگی بشر حذف کنیم، مفسدان و ظالمان در روی زمین بسیار بیشتر شده و ظلم و کشتار و خونریزی، بقای نوع انسان را نیز به مخاطره خواهد انداخت. از سویی، باید تفاوتی میان کسانی که از اوامر و نواهی خداوند پیروی می‌کنند با آنان که بی‌توجهی کرده و نافرمانی می‌کنند، وجود داشته باشد تا همگان به سوی فساد و ظلم متمایل نشوند.

**حدیث:** امام رضا علیه السلام: «لَمْ يَكُنْ قِوَامُ الْخَلْقِ وَ صَلَاحُهُمْ إِلَّا بِالْإِقْرَارِ مِنْهُمْ بِعَلِيمٍ خَبِيرٍ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ لِيَكُونَ فِي ذَلِكَ أَنْزَجَارٌ لَهُمْ؛ پایداری و صلاح نوع بشر مشروط به آن است که به کسی اعتقاد داشته باشند که آگاه و دانای مطلق بوده و هیچ چیز مخفی از او نهان نمی‌شود تا بدین وسیله از عمل زشت خود دست بردارند. [اعتقاد به دین سبب دوری از گناه می‌گردد.]» «عیون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۰۰»

## پاسخ به منکران معاد

وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ  
عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢٧﴾

اوست که مخلوقات را می‌آفریند سپس آنان را [پس از مرگشان] باز می‌گرداند؛ و این [کار] برای او آسان‌تر است. و برترین وصف‌ها در آسمان‌ها و زمین ویژه‌ی اوست؛ و او توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است. (روم، ۲۷)

**توضیح:** از دیرباز مهم‌ترین دستاویز منکران معاد، بعید شمردن معاد بوده است. آنان همواره این اعتقاد را این چنین به سخره می‌گرفتند که چگونه ممکن است اجزای پوسیده و پراکنده‌ی بدن آدمی دوباره زنده شود و به حرکت درآید. قرآن بارها بر این منطق پوچ، خط بطلان کشیده است. یکی از شیوه‌های رد این شبهه، یادآوری خلقت نخستین انسان‌هاست که علاوه بر این آیه، در آیات ۷۹ یس، ۳۳ احقاف، ۴۰ قیامت و ... نیز آمده است. در این آیه خداوند به منکران می‌گوید که آیا کسی که این جهان عظیم را از هیچ آفریده، نمی‌تواند انسان‌ها را دوباره زنده کند؟! روشن است که بازآفرینی چیزی از ساخت و خلقت ابتدایی آن آسان‌تر است؛ البته این آسانی از منظر بندگان است و برای خداوند، کار آسان و سخت وجود ندارد.

**حدیث:** امام سجاده علیه السلام: «العَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ لِمَنْ أَنْكَرَ النَّشْأَةَ الْأُخْرَىٰ وَهُوَ يَرَى الْأُولَىٰ؛ شگفتا شگفتا! از کسی که آفرینش نخست را می‌بیند و آفرینش دیگر را منکر است.»

کافی: ج ۳ ص ۲۵۸ ح ۲۸.

## یادآوری نمونه‌های رستاخیز در دنیا

فَانظُرْ إِلَىٰ ءَاثَرِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ  
بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَٰلِكَ لَمُحِي الْمَوْتِ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ  
شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٥٠﴾

پس با تأمل به آثار رحمت خدا بنگر که چگونه زمین را پس از مردگی‌اش زنده می‌کند، بی‌تردید این [خدای قدرتمند] زنده‌کننده‌ی مردگان است و او بر هر کاری تواناست. (روم، ۵۰)

**توضیح:** قرآن کریم، برای بطلان استبعاد منکران معاد، نمونه‌های رستاخیز در دنیا را به رخ آنان می‌کشد تا هم نمونه‌ای بر امکان معاد و زندگی پس از مرگ باشد و هم دلیلی بر امکان رجعت در این دنیا. برخی از این نمونه‌ها عبارت‌اند از: زنده شدن مقتول بنی‌اسرائیل (بقره، ۷۲)، زنده شدن عزیز نبی پس از صد سال (بقره، ۲۵۹)، بیداری اصحاب کهف پس از سالیان دراز (کهف، ۲۱)، زنده شدن گروهی از بنی‌اسرائیل پس از مرگ در اثر طاعون (بقره، ۲۴۳) زنده شدن یهودیان در کوه طور (بقره، ۵۵) و ... در کنار این نمونه‌های انسانی، نمونه‌ی آشکار دیگری نیز بر زندگانی موجودات زنده پس از مرگ وجود دارد. این نمونه‌ی آشکار، رستاخیز طبیعت است. آری! کسی که هر سال، زمین مرده را زنده می‌کند و گیاهان سرسبز در آن می‌آفریند، این توانایی را دارد که انسانها را نیز بعد از مرگ زنده کند.

**حدیث:** پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّبِيعَ فَأَكْثَرُوا ذِكْرَ النَّشُورِ مَا أَشْبَهَ الرَّبِيعَ بِالنَّشُورِ؛ هرگاه بهار را دیدید، بسیار از قیامت یاد کنید. چه بسیار شباهت دارد بهار به قیامت.» تفسیر فخر رازی: ج ۱۷ ص ۱۸.

### زنده شدن پرندگان توسط ابراهیم علیه السلام

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أُولَئِمُتُؤْمِنٌ قَالَ بَلَىٰ وَلَئِن لِّيَطْمِئِنَّ قُلُوبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ أَجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ

اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٦٠﴾

و [یاد کنید] هنگامی که ابراهیم گفت: ای پروردگار من! به من نشان ده که مردگان را چگونه زنده می‌کنی؟ [خدا] فرمود: آیا [به قدرتم نسبت به زنده کردن مردگان] ایمان نیاورده‌ای؟! گفت: چرا، ولی [مشاهده کیفیت این حقیقت را خواستم] تا قلبم آرامش یابد. [خدا] فرمود: چهار پرنده بگیر و آنها را [برای دقت در آفرینششان] به خود نزدیک کن، و [پس از قطعه قطعه کردن] بر هر کوهی بخشی از آنها را قرار ده، سپس آنها را بخوان که شتابان به سوی می‌آیند؛ و بدان که یقیناً خدا توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است. (بقره، ۲۶۰)

**توضیح:** روزی حضرت ابراهیم علیه السلام مرداری را مشاهده کرد که متلاشی شده و پرندگان از آن می‌خوردند. با دیدن این صحنه، از خدا درخواست کرد تا چگونه زنده کردن مردگان را به او نشان دهد. خداوند درخواست وی را اجابت کرد و دستور داد که چهار پرنده را گرفته، قطعه قطعه کند و بر قله‌ی کوه‌ها قرار دهد. سپس آن‌ها را بخواند تا چگونه حشر آن‌ها را ببیند.

**حدیث:** امام باقر علیه السلام: «لقمان به فرزندش گفت: ای فرزندم! اگر در مرگ تردید داری، خواب را از خودت دور ساز [خواهی دید که نمی‌توانی] و اگر در حشر و معاد شک داری، بیداری را از خودت دور کن [خواهی دید که نمی‌توانی]» قصص الأنبياء: ص ۱۹۰ ج ۲۳۹.

## معاد جسمانی

### شکل‌گیری دوباره‌ی سر انگستان

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ، ﴿٣﴾ بَلَىٰ قَدَرِينَ عَلَيَّ  
أَنْ تُسَوَّىٰ بَنَانَهُ، ﴿٤﴾ بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ، ﴿٥﴾

آیا انسان گمان می‌کند که ما هرگز استخوان‌هایش را جمع نخواهیم کرد؟ (۳) چرا در حالی که تواناییم [خطوط] سر انگستانش را درست و نیکو بازسازی کنیم، (۴) [نه اینکه به گمان او قیامتی در کار نباشد] بلکه انسان می‌خواهد [با دست و پا زدن در شك و تردید] فرارویش را [از اعتقاد به قیامت که بازدارنده‌ای قوی است] باز کند [تا برای ارتکاب هر گناهی آزاد باشد!] (۵) (قیامت)

**توضیح:** معاد جسمانی به این معناست که در قیامت هم روح و هم جسم انسان محشور می‌شود. این اعتقاد در مقابل نظر برخی عقل‌گرایان است که معاد را فقط روحانی دانسته‌اند؛ درحالی‌که در قرآن و روایات تصریح شده است که معاد و زندگی اخروی انسان‌ها، جسمانی است؛ یعنی با همین بدن خاکی انسان تحقق می‌یابد. برخی ادله‌ی معاد جسمانی عبارت است از: ۱- بسیاری از نعمت‌ها و عذاب‌های مادی برای اهل بهشت و دوزخ، مادی است. ۲- نوع شبهه‌ی مشرکان نسبت به معاد، با معاد جسمانی سازگار است؛ نه روحانی. ۳- مثال‌های عینی رستاخیز که در قرآن آمده، نمونه‌ی رستاخیز جسمانی است. آیه‌ی فوق از اوج ظرافت در بازآفرینی جسم خاکی انسان در رستاخیز خبر داده و به صراحت، معاد جسمانی را ثابت می‌کند.

**حدیث:** امام صادق علیه السلام: «هیچ عضوی از بدن مرده باقی نمی‌ماند؛ مگر گِلِ اَوَّلی که از آن آفریده شده بود؛ که در قبر می‌ماند؛ تا مانند بار اول از آن دوباره خلق شود.» کافی: ج ۳، ص ۲۵۱، ح ۷.

### زنده کردن استخوان پوسیده

وَضْرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ، قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظْمَ  
 وَهِيَ رَمِيمٌ ﴿٧٨﴾ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ  
 مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ ﴿٧٩﴾

در حالی که آفرینش نخستین خود را از یاد برده برای ما مثلی زد [و] گفت: چه کسی این استخوان‌ها را در حالی که پوسیده‌اند زنده می‌کند؟ (۷۸) بگو: همان کسی که نخستین بار آن را پدید آورد، زنده‌اش می‌کند، و او به هر چیزی داناست. (۷۹) (یس)

**توضیح:** این آیه هم پاسخی به انکار معاد از سوی کافران است و هم دلیلی بر معاد جسمانی؛ زیرا از زنده کردن همان استخوان پوسیده سخن می‌گوید. گفتنی است این آیه زمانی نازل شد که فردی از مشرکان استخوان پوسیده‌ای از قبرستان یافته و به نزد پیامبر ﷺ آمد. سپس آن استخوان را با دست خویش خرد کرد و به آن حضرت گفت: چه کسی این استخوان متلاشی شده را دوباره زنده می‌کند؟ آیه ی فوق نازل شد و جواب او را داد.

**حدیث:** شخص مادی‌گرایی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: چگونه انسان پس از مرگ دوباره زنده می‌شود؛ در حالی که بدن او پوسیده و اعضای بدنش متلاشی شده است؛ یک عضو در فلان شهر طعمه‌ی درندگان شده و عضو دیگر در جای دیگر خوراک خزندگان، عضو دیگر خاک گردیده و با گل آن دیواری بنا شده است؟! حضرت فرمود: آن کسی که بدن را از هیچ آفرید و بدون الگوی سابق آن را صورتگری کرد، می‌تواند مانند اول آن را بازگرداند. «احتجاج: ص ۲۵۰»